

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

db8ba284b7433eb0cae40c276cc79f4ada11c7ef974159ce8786c62a6e73838c

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

چکیده مقالات دومین همایش ملی

استقرار و توسعه

دولت جمهوری اسلامی ایران:
بنیان، آسیب، چشم انداز

گروه علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه فردوسی مشهد - ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۷

چکیده مقاله های

دومین همایش ملی دولت پژوهی؛

دولت جمهوری اسلامی ایران: بنیان، آسیب، چشم انداز

دانشگاه فردوسی مشهد - ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۷

شناسنامه چکیده مقاله های دومین همایش ملی دولت پژوهی؛

دولت جمهوری اسلامی ایران: بنیان، آسیب، چشم انداز

برگزار کننده: گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

دبیر علمی: دکتر وحید سینایی

دبیر اجرایی: دکتر روح الله اسلامی

اعضاء کمیته علمی

روح الله اسلامی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، سیدحسین اطهری (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، شیرزاد آزاد (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، علیرضا بهشتی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)، سید محمدعلی تقوی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، جواد تقی زاده (عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی دانشگاه مازندران)، احمد خالقی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران)، محسن خلیلی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، ابوالفضل دلاوری (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)، علی دینی ترکمانی (عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)، محمد جواد رنجکش (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، وحید سینایی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، حسن طائی (عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس)، مسعود غفاری (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)، محمدجواد غلامرضا کاشی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)، سید احمد فاطمی نژاد (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، محمد تقی قزلسفلی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران)، سیداصغر کیوان حسینی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)، احمد گل محمدی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)، احمد محقر (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، محسن مدیر شانه چی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)، مجتبی مقصودی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران)، مرتضی منشادی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)، عباس منوچهری (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)

حامیان علمی و مالی همایش دولت پژوهی

دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه بجنورد، شورای اسلامی شهر مشهد مقدس، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، پایگاه اسنادی علوم جهان اسلام، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

اعضاء دبیرخانه همایش

نگار ابراهیمی، یاسین ازدری، علی اسماعیلی، سارا اکبری، سمیرا ایزدپناه، زهرا بیضایی، حسین پیوسته، محدثه جزایی، نازنین جوادی، مرتضی حافظی، ماندانا دریانوردی، محمدرضا دهقان، فاطمه دولفقاریان، رضا رجبی، سهیلا رخشانی، رضا سرحدی، ساجده سهیمی، رقیه سیدآبادی، منیره شفیقی، ابوالقاسم شهریاری، ملیحه عزتی، محمد عثمانی، محمد عزیزآبادی، فایزه عنابستانی، سارا فلاح، علی قدیری، مطهره محرابی، زهرا محمدزاده، فاطمه مصیبی، صبا مقیسه، جمال معتمد، یوسف مهدیان، سینا نصیری، سجاد واحدی

نشانی سایت: stateconf@um.ac.ir

تاریخ برگزاری: ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۷

تلفن تماس: ۰۵۱_۳۸۸۰۶۳۴۱

پست الکترونیک: stateconf@um.ac.ir

نشانی: مشهد _ میدان آزادی _ پردیس دانشگاه فردوسی _ دانشکده علوم اداری

کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۹۵۱

پیام دبیر همایش

دولت و قدرت دو مفهوم پایه و بنیادی علم سیاست هستند. در این میان از آنجا که دولت از مهم ترین بسترها و نهادهای شکل گیری، تجمع و اعمال قدرت است بررسی آن اهمیتی مضاعف می یابد.

دولت مفهوم و پدیده ای پیچیده در اندیشه سیاسی-اجتماعی است؛ اما همواره اهمیت، تاثیر و نقش شگرف آن در تحولات سیاسی و اجتماعی موجب جلب توجه نظریه پردازان و پژوهشگران علوم اجتماعی به آن بوده است.

دولت به عنوان یک اجتماع انسانی که انحصار کاربرد مشروع زور را در سرزمین معینی برای تنظیم رفتار و نظم اجتماعی در اختیار دارد در جهان از قدمت و پیشینه طولانی برخوردار نیست. در اروپا، دولت به مفهومی که امروزه آن را می شناسیم در قرون وسطای متاخر و در غیر اروپایی و خاورمیانه به دلیل سرشت متفاوت ساخت های اجتماعی با تاخیر بسیار صورت گرفت. در واقع دولت مدرن در این سرزمین ها بیشتر در قرن بیستم و تحت تاثیر تحولات ناشی از دو جنگ جهانی اول و دوم ایجاد شد. در ایران اما به دلیل پیشینه تمدنی، تاریخ و سنت و از آنجا تا دوران جدید و معاصر می توان مورد بررسی قرار داد. هرچند که وجود این پیشینه و قدمت به معنای نفی مشکلات و چالش های بنیادی به ویژه در دوران معاصر در ساخت و کارکرد دولت در ایران نیست. از این رو گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۹۵ مبادرت به برگزاری همایش هایی تحت عنوان « دولت پژوهی » نمود. نخستین این همایش ها تحت عنوان « همایش ملی دولت پژوهی؛ واکاوی های نظری، کاربردی و آسیب شناختی، با حضور قریب به بیست تن از برترین اساتید و محققین کشور در ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی برگزار گردید. در این همایش که با شرکت استادان و سیاست پژوهان برگزار و موضوع های سیاسی، حقوقی، مدیریتی، اقتصادی و ... با توجه به آسیب ها و مشکلات پیش روی دولت در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی مورد واکاوی قرار گرفت. همایش به گونه ای طراحی شد که بیشتر رشته های علوم انسانی، اجتماعی و سیاسی درباره دولت و همچنین چالش ها و تنگناهای آن به ویژه در ایران باشد.

دومین همایش ملی دولت پژوهی در ارتباط با دولت جمهوری اسلامی ایران: بنیان، آسیب، چشم انداز در روزهای هفتم و هشتم اسفند ۱۳۹۷ در دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی برگزار خواهد شد. صمیمانه امیدواریم این همایش فرصتی برای غنا بخشیدن به شناخت دانش پژوهان حوزه های مختلف علوم انسانی، اجتماعی و سیاسی درباره دولت و همچنین چالش ها و تنگناهای آن به ویژه در ایران باشد.

دکتر وحید سینایی

« دبیر دومین همایش ملی دولت پژوهی »

- ۱۰..... پلورالیسم جامعه ایرانی و بحران توزیع قدرت در دولت جمهوری اسلامی
مهسا ادیبی، سیدمحمدعلی تقوی
- ۱۱..... گردش نخبگان سیاسی حاکم و حکمرانی خوب در ایران
مجید استوار(نویسنده مسئول)، مجتبی استوار
- ۱۲..... تأثیر آموزش در رفع موانع توسعه انرژی های تجدید پذیر(خورشیدی) در دولت جمهوری اسلامی ایران
موسی الرضا اسماعیلی مقدم، حجت محمودی جلفان
- ۱۳..... نمادهای مذهبی و دولت جمهوری اسلامی (مطالعه موردی حجاب)
الهام امین
- ۱۴..... تبیین مفهوم و جایگاه دولت در قراردادهای خصوصی سازی
عاطفه آجری آیسک
- ۱۵..... از جمهوری تا جمهوری در جمهوری اسلامی ایران
محمد آرین منش، احمد جوانشیری، محسن مدیر شانه چی
- ۱۶..... نسبت دولت و نظریه پردازی سیاسی در ایران معاصر از نگاه نخبگان سیاسی
محمد بابایی، صمد پای بست
- تأثیر تفاوت قرائت های روسای جمهور ایران از اسلام بر چگونگی تعریف و پیگیری اهداف فراملی (۱۳۶۸-۱۳۹۷)
۱۷.....
علی باقری دولت آبادی، مریم رحمانی فر
- ۱۸..... حریم خصوصی اموال و دارایی های مسئولان در نظام حقوقی ایران
شیرین بهروزی نژاد، جواد تقی زاده
- ۲۰..... دولت ایران؛ ناکارآمدی در تمرکز و شکنندگی در تکرار
علی چشمی
- ۲۰..... دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران در پارادایم علوم سیاسی (بررسی و تحلیل منابع منتخب)
حسین جمالی، مکرمه جمالی
- ۲۱..... سیاست های مالیاتی و تأثیر آن بر دولت جمهوری اسلامی ایران
سید مصطفی حسینی

- دولت شفاف و پاسخگو؛ ویژگی ها و موانع ۲۲
معصومه السادات حسینی میرصفی
- واکاوی تطبیقی نسبت حکم ارتداد و آزادی بیان و عقیده در حقوق اسلام و حقوق بشر ۲۴
آیدا حیدری، محمدرضا دانش شهرکی
- نافرجامی سیاستگذاریهای توسعه در دولت ایدئولوژیک ۲۴
علیرضا حیدری
- اثر کاهش سرمایه اجتماعی بر کارآمدی جمهوری اسلامی ایران ۲۵
علی خدابنده بایگی
- چیستان جرم سیاسی در نظام حقوق اساسی ایران ۲۶
محسن خلیلی
- قابلیت سازی دولت: روایتی مساله محور از تدوین تا اجرا سیاستهای توسعه ۲۷
مسعود درودی
- تو در تویی نهادهی: فراسوی چپ و راست، فراسوی فرهنگ ضد توسعه و رانت ۲۸
علی دینی ترکمانی
- بررسی بحران کاهش ورودی آب سد دوستی بین ایران و افغانستان و ظرفیت های ایران برای حل دیپلماتیک این
موضوع ۲۹
حسن رحمانی
- رویارویی جامعه رو به تنوع و دولت رو به انحصار، بحران تعامل دولت و جامعه در جمهوری اسلامی ۳۰
سید مهدی رضوی
- تحلیل کارکرد شوراهای محلی در پرتو اصول قانون اساسی ۳۱
محمد زرشگی
- پیدایی جامعه مخاطره آمیز و تاثیر آن بر فرآیندهای تصمیم گیری دولت جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی
از ۱۳۹۰ تا کنون) ۳۲
پیمان زنگنه، سمیه حمیدی، زهرا آراسته
- سیاست خارجی دولت یازدهم: توسعه ملی بر پایه تعامل بین‌المللی ۳۳
مهدی زیبائی

- عدالت اجتماعی در حوزه سلامت در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت پژوهی دولت در طرح تحول نظام سلامت) ۳۴
- محمد حسین ساقی
- ۳۵..... بوروکراسی و تحول در نظام اداری ایران پس از انقلاب.....
- مریم سپنجی
- ۳۶..... تبیین سیاست خارجی دولت حسن روحانی در تعامل سازنده با اتحادیه اروپا (از منظر تئوری واقع گرایی).....
- هادی شرفی، حامد محقق نیا (نویسنده مسئول)
- ۳۷..... تعیین‌کنندگی طبقه متوسط در شکل‌گیری دولت‌های ایران در دوران پسا انقلاب اسلامی.....
- ابوالقاسم شهریار، فاطمه مصیبی
- ۳۸..... مبانی اخلاقی قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران.....
- شیلا شیعه زاده
- ۳۹..... پیامد های انقلاب اسلامی ایران بر کشور یمن با تأکید بر جنبش انصارالله.....
- محمد ناصر طاهری زاده، علیرضا رضایی، جواد گیاه‌شناس
- ۴۰..... جایگاه فقهی مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکومت اسلامی.....
- سیده فاطمه طباطبائی، مهدیه یوسفی فر
- گستره اسلام‌گرایی و تحول خرده‌گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران (بر اساس مدل پیوستگی روزنا)..... ۴۱
- رضا عابدی گناباد، فاطمه میری کلاهکج، فاطمه دانشور محمدزادگان، رقیه سادات حسینی کرمان
- ۴۲..... انقلاب، دولت جمهوری اسلامی و تحول در فقه سیاسی.....
- بشری عبدخدایی، محمدتقی فخلعی (نویسنده مسئول)، محمدتقی قبولی
- ۴۳..... ظرفیت‌سنجی ساختارهای دموکراتیک در حکومت جمهوری اسلامی.....
- محمد عثمانی
- ۴۴..... آزمون نظریه دولت رانتیه با دولت پس از انقلاب اسلامی در ایران.....
- عباس کشاورز شکری، قدسی علیزاده سیلاب
- ۴۵..... بررسی سیاست خارجی اصولگرا در جمهوری اسلامی ایران - با تأکید بر کشورهای خاورمیانه.....
- عطا عنبرانی، محمد حسن زاده
- ۴۶..... حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی.....

پژمان غفوری، علی رسولنیا، عبدالرضا نوایور، داود عباسی

۴۷..... بررسی رابطه بین سیاستهای مالی و پولی با تاکید بر استقلال بانک مرکزی در ایران

مهدی فاطمی، عالیہ حسینی

۴۸..... چالش های ارزیابی سیاستگذاری ها در ایران

سمیرا فرخ منش، مهدی فرنیان

۴۹..... نقش نخبگان در سیاست گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران

حسین فرزانه پور، رضا خسروی اسفزار

۵۰..... تاثیر ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مدیریت بحران پسا برجام

محمد رضا فولادی

نسبت امنیت اجتماعی با فضای مجازی، مطالعه موردی: گرایش مردم به برخی کانالهای شبکه اجتماعی مجازی

۵۱..... تلگرام

مرتضی قورچی، جواد کاویانیراد

۵۲..... تبیین نقش سرمایه اجتماعی بر میزان بیگانگی سیاسی شهروندان در دولت جمهوری اسلامی

علیرضا کریمیان، سیده معصومه غفوری کله

۵۳..... اقتصاد سیاسی توسعه: بررسی سیاست های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی از منظر اقتصاد سیاسی

فرزاد کلاته

روش شناخت ایدئولوژی دولت جمهوری اسلامی ایران (بررسی رویکردهای مختلف به مفهوم ایدئولوژی با تأکید

۵۴..... بر رویکرد سیاسی و تحلیل کاربردهای آن)

فاطمه کمیلی

۵۵..... مدیریت رویکرد متوازن سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز

ولی کوزه گر کالجی

۵۶..... اختلال نهادی و ناکارآمدی دولت در جمهوری اسلامی ایران

احمد گل محمدی

۵۷..... چالشهای فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران

حجت مبین

۵۸..... نقش ساختارهای رسمی و غیررسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

میلاد محمدیان

- ۵۹ بررسی تأثیر سیاست های داخلی بر سیاست خارجی دولت خاتمی
 زهرا محمودی
- ۶۰ فرهنگ سیاسی و گستردگی دولت در ایران در دوره جمهوری اسلامی
 علی اکبر مختاری
- ۶۱ دولت، سیاست های منافع خاص و مشکل منبع مشاع در نظام تأمین اجتماعی
 سید سعید ملک الساداتی
- ۶۲ نظریه ی حکومتی برآمده از بازخوانی مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی
 آرش منشی زادگان
- انگاره های خودایستایی و فرادستی دولت در برابر جامعه (مطالعه موردی: همانندی های دو کتاب ولایت فقیه و
 ۶۳ نصیحه الملوک)
 سیدهاشم منیری
- ۶۴ ابربحران های سه گانه ی درون زاد جمهوری اسلامی
 مهدی نجف زاده
- بررسی تأثیر ماهیت دولت بر جهت گیری سیاست تجاری و سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی
 ۶۵ نژاد و محمد خاتمی
 انوش نخودبریز
- ۶۶ از برساخت نفاق دولتی تا نفاق دولت ساخت: تأملی آسیب شناسانه در بخش دولتی ایران
 مصطفی هادوی نژاد
- ۶۷ فرصت اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیش روی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران
 سید عباس هاشمی، فائزه کریمی
- ۶۸ عوامل شکل گیری دولت پرمسئولیت در ایران؛ دوره جمهوری اسلامی
 محبوبه همتی، علی کریمی مله
- ۶۹ دولت، نفت و بودجه در ایران: یک سه ضلعی کلیدی اما شکننده
 یداله دادگر

پلورالیسم جامعه ایرانی و بحران توزیع قدرت در دولت جمهوری اسلامی

مهسا ادیبی

دانش آموخته دوره دکتری اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

msh_adibi@yahoo.com

سیدمحمدعلی تقوی

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

smataghavi@um.ac.ir

یکی از مهم ترین موضوعات پیش روی سیاستمداران موضوع قدرت، الگوهای توزیع آن، کیفیت رابطه حکومت با شهروندان و گروه های مختلف اجتماعی و میزان و نحوه تاثیرگذاری آنها بر فرآیند تصمیم گیری است. در ایران گروه های قومی-مذهبی مختلفی وجود دارد که با دارا بودن بنیان های متفاوت فکری، عقیدتی، زبانی و دینی در زمره اقلیت قرار می گیرند. با توجه به تحولات پرشتاب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی طی سال های اخیر و مطرح شدن مباحثی همچون جامعه مدنی، مشارکت سیاسی و برابری در فرصت ها این سوال مطرح می شود که گروه های فرعی چه جایگاهی در چرخه قدرت جمهوری اسلامی دارند؟ و آیا از فرصت برابر با دیگر گروه ها در گردش نخبگان، استفاده از امکانات آموزشی، تسهیلات اقتصادی و امکانات فرهنگی برخوردار هستند؟ نگارندگان در صدد این هستند تا با بهره گیری از نظریه پلورالیسم سیاسی به عنوان چارچوب نظری، چگونگی توزیع منابع قدرت و امکانات در جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. بر طبق یافته های این پژوهش یکی از مسائل مبتلا به جمهوری اسلامی رشد بیش از پیش هویت های قومی-مذهبی می باشد که منجر به ضعف وحدت ملی شده این امر در اثر بی توجهی و تبعیض های دولت به این گروه ها، انتصاب های حساب گرایانه و رقابت بر سر منافع شکل گرفته که در بلند مدت منجر به افزایش نارضایتی های اجتماعی و شکل گیری منازعات قومی خواهد شد. دولت باید با اتخاذ سیاست های مشخص و آگاهانه در توزیع قدرت و دوری از تقلیل گرایی احساس محرومیت نسبی موجود در اقلیت ها را از بین ببرد.

واژگان کلیدی: پلورالیسم، بحران، توزیع، وحدت ملی، گروه های اقلیت.

گردش نخبگان سیاسی حاکم و حکمرانی خوب در ایران

مجید استوار (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

ostovar@iaurasht.ac

مجتبی استوار

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

ostovar@iust.ac.ir

وجود و بروز چالش‌های نو پدیدگی نظیر کاهش سرمایه اجتماعی، شکاف نسلیها، آسیب‌های اجتماعی و احساس حقارت، روابط سیاسی پاتریمونیال، بحرانهای اقتصادی و عدم گردش نخبگان سیاسی حاکم، شرایط زیست را برای ایرانیان دشوار ساخته است. پرسش بنیادی ما در این مقاله اینست که چرا شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست؟ مطالعات جدید در خصوص توسعه بر اهمیت گردش نخبگان سیاسی حاکم به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی حکمرانی خوب تاکید می‌کنند. به عبارت دیگر توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورها ارتباط نزدیکی با کیفیت عملکرد نخبگان سیاسی دارد. نخبگان توسعه‌گرا با تاسیس نهادهای سیاسی و توزیع منابع قدرت، موانع رشد و توسعه اقتصادی را کاهش می‌دهند و زمینه را برای بهره‌مندی کثیری از نخبگان سیاسی و مردم از منابع اقتصادی و سیاسی فراهم می‌سازند. بر این اساس به نظر می‌رسد چالش‌های امروز ایران، نتیجه عدم گردش نخبگان سیاسی و شیوه حکمرانی نامطلوب در کشور است. شیوه حکمرانی در همه دولت‌ها وابسته به عملکرد نخبگان سیاسی حاکم و نهادهای تاسیسی است. نخبگانی که با انسجام و همفکری و ایجاد نهادها و وضع قوانین، راه را برای حکمرانی خوب هموار می‌سازند. بنابراین گردش نخبگان سیاسی و بکارگیری نخبگانی منسجم و هماهنگ در پذیرش الگوی توسعه کشور به ضرورتی اجتناب ناپذیر در کاهش چالش‌ها در ایران تبدیل شده است. اما الگوهای ذهنی نخبگان سیاسی حاکم با هرگونه نوآوری مخالفت می‌کنند و این احتمال می‌رود که با بروز ابر چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ایران در تنگنای توسعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: گردش نخبگان سیاسی، نهادهای سیاسی، دولت، حکمرانی خوب، توسعه.

تأثیر آموزش در رفع موانع توسعه انرژی های تجدید پذیر (خورشیدی) در دولت جمهوری اسلامی ایران

موسی الرضا اسماعیلی مقدم

mre.moghadam52@gmail.com

حجت محمودی جلفان

mahmodihajat@gmail.com

انرژی از ارکان مهم حیات اقتصادی، صنعتی و علمی کشورهای جهان است که بدون آن زندگی صنعتی ممکن نیست. تجربه دهه های اخیر نشان می دهد که با توجه به افزایش سطح مصرف سوخت های فسیلی در جهان و مسائل زیست محیطی ناشی از آن، دیگر نمی توان به منابع موجود انرژی متکی بود. طی دهه های گذشته صدور منابع نفت و گاز، اقتصاد دولت جمهوری اسلامی ایران را به درآمدهای حاصل از صدور این منابع وابسته کرده است. اگرچه نفت و سایر سوخت های فسیلی می توانند حداقل تا صدسال آینده نیاز انرژی دنیا را تأمین کنند، اما چالش عمیق تری که وجود دارد "مسائل زیست محیطی" است. بدیهی است پایان پذیر بودن این منابع، در کنار اهمیت یافتن مسائل زیست محیطی قطع این وابستگی را امری ضروری ساخته است که در این راستا باید نگاهی دیگر به انرژی های تجدید پذیر داشت. دستاورد این پژوهش این است که در صورتی که آموزش محیط زیست هدفمند و هوشمندانه بر روی سرمایه گذاران بخش خصوصی و سپس سیاست گذاران بخش دولتی متمرکز شود، بیشترین اثربخشی را به همراه خواهد داشت. همچنین موانع مالی و اقتصادی و موانع شناختی از مهم ترین موانع در راه توسعه انرژی خورشیدی می باشند که پرداخت یارانه ای انرژی و عدم هوشمندی آن و عدم تبلیغات صحیح و مؤثر برای استفاده از انرژی نو جزء مهم ترین موانع دولت جمهوری اسلامی ایران شناسایی شدند که نیاز به برنامه ریزی دقیق بر روی آن ها در سطح کشور و منطقه با توجه به شرایط خاص آن است تا با رفع آن زمینه ی توسعه ی انرژی خورشیدی فراهم شود.

واژگان کلیدی: آموزش، محیط زیست، اقتصاد، یارانه، توسعه ی انرژی های تجدید پذیر.

نمادهای مذهبی و دولت جمهوری اسلامی (مطالعه موردی حجاب)

الهام امین

elhaamaamin@gmail.com

نمادها در مشروعیت بخشی به نظام های سیاسی جایگاه ویژه ای دارند و همه نظام های سیاسی برای تحکیم پایه های مشروعیت، مقبولیت و اقتدار خود و گسترش یکپارچگی دست به نمادسازی می زنند؛ نمادهایی که عموماً ریشه در باورهای ملی و مذهبی هر کشور دارد. دولت جمهوری اسلامی نیز از ابتدای پیدایش تا کنون با اتکا بر ماهیت ایدئولوژیک خود، ضمن حفظ نمادهای ملی، ترویج شعائر مذهبی و آداب و آیین های دینی و مکتبی را در دستور کار قرار داده است. از اقامه نماز جمعه در سراسر کشور تا برپایی نماز جماعت در همه دستگاه های دولتی و مدارس و دانشگاهها، از اهتمام جدی به گرامیداشت مناسبت های مذهبی تا تلاش برای گسترش برخی آداب دینی همچون امر به معروف و نهی از منکر، از ترغیب مردان به داشتن ریش تا اجباری کردن حجاب برای زنان در مکان های عمومی همه و همه نشان از آن دارد که دولت جمهوری اسلامی، تبلیغ، بزرگداشت و ترویج نمادهای مذهبی را در فهرست نقش ها و کارویژه های خود تعریف کرده است. در این مقاله در میان نمادهای مذهبی پر شماری که از سوی جمهوری اسلامی تبلیغ و ترویج می شود به موضوع حجاب زنان می پردازیم تا عملکرد دولت را در این زمینه بررسی کنیم. اهمیت این موضوع از آن جهت است که در دوره های مختلف پس از انقلاب به ویژه در یک دهه اخیر یکی از مهم ترین چالش های جمهوری اسلامی در عرصه اجتماعی، موضوع حجاب زنان بوده است. چالشی که نه راهکارهای اقناعی و نه ابزارهای اجباری نتوانسته است آن را مدیریت کند و به رغم گذشت چهار دهه از حیات انقلاب اسلامی هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرد و به اشکال متفاوتی رخ می نماید. بر این اساس در پی پاسخ به این پرسش ها بر آمده ایم که اساساً حجاب پدیده ای مذهبی - فرهنگی است یا سیاسی - امنیتی؟ و رویکرد عملی دولت جمهوری اسلامی نسبت به این موضوع در کدام یک از محورهای یاد شده قابل تعریف است؟ در این پژوهش که از نوع اسنادی است و به روش توصیفی - تحلیلی انجام می شود پس از بررسی نظری مباحث مربوط به «حجاب»، سمت و سوی نگرش و عملکرد جمهوری اسلامی نسبت به این موضوع و چالش های موجود در این زمینه را بررسی می کنیم. پاسخ اولیه و فرض این مقاله برای پرسش های پژوهش این است که اگر چه ماهیت حجاب مذهبی فرهنگی است، اما عملکرد جمهوری اسلامی نسبت به این پدیده نشانگر رویکردی سیاسی - امنیتی است آنچه در نتیجه این مقاله قابل پیش بینی است این است که کارکرد حجاب در جمهوری اسلامی کارکردی عمدتاً سیاسی است.

واژگان کلیدی: حجاب، زنان، اسلام، ایران، اجبار.

تبیین مفهوم و جایگاه دولت در قراردادهای خصوصی سازی

عاطفه آجری آیسک

استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند

ajori@birjand.ac.ir

خصوصی سازی به عنوان یکی از حلقه های زنجیره اصلاح اقتصادی، در معنای خاص خود به واگذاری مالکیت یا کنترل دولتی به بخش خصوصی گفته می شود که در قالب قرارداد صورت می گیرد. بنابراین یکی از طرفین قراردادهای خصوصی سازی، دولت است؛ همانطور که ماده ۳ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز «دولت» را مکلف به واگذاری می کند. با بررسی مفاهیم متعدد دولت و سیاق عبارات به کار برده شده در قانون، مشخص می شود که دولت در معنای خاص کلمه (قوه مجریه) طرف واگذارکننده در این قراردادها است. به عبارت دیگر زمانی که در فرایند خصوصی سازی، سهام شرکت های دولتی واگذار می شود، شرکت های دولتی یک طرف قرارداد نیستند، بلکه دولت به عنوان واگذارکننده، اقدام به واگذاری آنها می کند و شرکت های دولتی موضوع معامله هستند. از آنجا که دولت یک شخصیت حقوقی و یک مفهوم انتزاعی است بایستی مظاهر بیرونی دولت به عنوان واگذارکننده را شناخت که در مقاله حاضر به آن پرداخته می شود. داده ها به صورت کتابخانه ای جمع آوری و به شیوه توصیفی-تحلیلی ارائه می شوند. بر اساس قوانین و مقررات موجود در زمینه خصوصی سازی، نهادهای دخیل در فرایند خصوصی سازی که میتوان تحت نام دولت به عنوان واگذارکننده برشمرد عبارتند از: سازمان خصوصی سازی، شورای عالی اجرای سیاست های اصل ۴۴، هیئت واگذاری، هیئت وزیران و وزارت امور اقتصادی و دارایی. بررسی ترکیب اعضای نهادهای مزبور و شرح وظایف آنها نشان می دهد که نقش اصلی را در فرایند خصوصی سازی، مقامات دولتی ایفا می کنند. درحالی که این امر با توجه به اینکه دولت خود یکی از طرفین قرارداد است، ناسازگار با اصل توازن منافع است. مضافاً اینکه به نظر می رسد قانونگذار به دنبال تفکیک نهاد ساینست گذار و نهاد اجراکننده سیاست های خصوصی سازی بوده است اما این امر را به نحو مطلوبی انجام نداده است؛ به طوریکه تمامی نهادهای دخیل، هم وظایف تقنینی دارند و هم وظایف اجرایی که گاهی همپوشانی دارند. چنین وضعیتی موجب افزایش بوروکراسی، موازی کاری و تشتت در عمل می شود. به منظور جلوگیری از ابهام و سردرگمی و مقابله با موازی کاری که مانع شفافیت و کارایی است، قانون گذار می بایست یک نهاد مستقل را به عنوان مسئول برنامه خصوصی سازی پیش بینی می کرد و مشخصاً دو بازوی سیاست گذاری (تقنینی) و اجرایی برای آن در نظر می گرفت.

واژگان کلیدی: دولت، خصوصی سازی، قرارداد واگذاری، قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

از جمهوری تا جمهوری در جمهوری اسلامی ایران

محمد آرین منش

کارشناس ارشد روابط بین الملل
m.aryanmanesh@gmail.com

احمد جوانشیری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
adjavanshiri@yahoo.com

محسن مدیر شانه چی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
modir_shanechi@yahoo.com

نظام جمهوری اسلامی در ایران از آغاز شکل‌گیری تا کنون با مشکلات و بحران‌های مختلفی مواجه بوده است که بسیاری از آن‌ها سپری شده است. اما یکی از شاخص‌ترین بحران‌های موجود، ناآرامی‌های دی ماه ۱۳۹۶ است که از جهت گسترش، فراگیری و نحوه همراهی و یا برخورد جناح‌های شناخته شده داخلی، تقریباً منحصر به فرد بود. بحرانی که به باور برخی کارشناسان در دوره‌های آتی امکان بازتولید و گسترش نیز خواهد داشت. این پژوهش بر آنست تا با بررسی بحران‌های ساختاری نظام در شرایط کنونی و با اشاره به طیفی از راهکارهای برون رفت از شرایط حاضر، مناسب‌ترین پاسخ جهت حل این بحران‌ها را ارائه نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش چهار بحران ساختاری در نظام جمهوری اسلامی قابل شناسایی است. بحران هویت اولین بحران است که در دو سطح داخلی و بین‌المللی قابل بررسی است. بحران دوم، عدم کارآمدی نظام در ملت‌سازی براساس یک قرارداد اجتماعی و دولت‌سازی به شکل دولت مدرن است. بحران مشارکت سومین بحران مورد بررسی است که در دو حوزه نوع مشارکت در انتخابات و نحوه تعامل در نهادهای جامعه مدنی (احزاب، سمن‌ها و نشریات آزاد) متبلور می‌شود. در نهایت بحران رفاه، توان ساختار حاکمیتی در توسعه ظرفیت‌های ملی همگام با توسعه جهانی است که در این بخش تصمیمات سخت نظام مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای مواجهه با این بحران‌ها طیفی از آینده‌های بدیل پیش روی کنشگران جامعه ایرانی قرار دارد که اصلاح و رفرم در یک طرف این طیف و جنگ داخلی و فروپاشی در جانب دیگر طیف قرار می‌گیرند. جنبش، کودتا و شورش نیز شکل دهنده بدیل‌های میانی این گستره هستند. الگوی اصلاح و رفرم به عنوان آینده مطلوب مورد بررسی دقیق‌تر این پژوهش است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، رفرم، سرمایه اجتماعی، ایران.

نسبت دولت و نظریه پردازی سیاسی در ایران معاصر از نگاه نخبگان سیاسی

محمد بابایی

mohammadbabaei@khu.ac.ir

صمد پای بست

samad.paybast@gmail.com

شاید بتوان ادعا کرد دولت در معنای عام (شامل هم دولت های مدرن وبری و هم پیشامدرن) اصلی ترین عامل در نظریه پردازی های سیاسی و ماهیت آن در طول حیات جوامع انسانی بوده است. اندیشمندان متعدد نیز با رویکردهای متفاوت تلاش نموده اند این امر را تبیین نمایند. مارکسیست ها اساس تئوری پردازی های سیاسی را ترویج ایدئولوژی حاکم در جهت تضمین همان حاکمیت بیان نموده اند. متفکران لیبرال بنیان نظریه پردازی سیاسی را از سویی حاکمیت فرد و آزادی های او و از سویی عدالت دانسته اند که دولت لیبرال هم نماد و هم مدافع آن به شمار می رود. اندیشمندان شرقی از جمله مسلمان نیز کلیت نظریه پردازی سیاسی در جامعه اسلامی را حول محوریت دولت ها بیان نموده اند. از این رو به نظر می رسد با وجود گسترش دیدگاه های پسامدرن مبنی بر تضعیف جایگاه و نقش دولت ها از در ابعاد متعدد، اما همچنان این دولت ها هستند که به ویژه در نظریه پردازی های سیاسی قادرند فقط با نقش آفرینی صرف چه به عنوان تسهیل گر و چه به مثابه مانع، همچنان اصلی ترین نقش را ایفا کنند. از این رو هنوز هم مطالعه تاثیر و نقش آفرینی دولت ها در امر نظریه پردازی سیاسی به ویژه در جوامع در حال توسعه درخور توجه است. مطالعه حاضر نیز از همین زاویه به مطالعه عوامل و موانع نظریه پردازی سیاسی در جامعه ایران معاصر پرداخته است. در این بین و با توجه به اهمیت موضوع مهم ترین شاخص برای سنجش را دیدگاه و نگرش نخبگان سیاسی در نظر گرفته است. به همین منظور نویسندگان با بکارگیری رویکرد کیفی و روش تحقیق زمینه ای (گراند تئوری) و با نمونه گیری هدفمند به مطالعه این مسئله پرداخته اند. پژوهش با تکنیک مصاحبه عمیق با پانزده تن از نخبگان سیاسی دانشگاهی که در این زمینه صاحب نظر و سرشار از اطلاعات بودند به گردآوری داده ها پرداخته است. یافته های پژوهش نیز نشان داد از نگاه نخبگان سیاسی فراهم نبودن بسترهای کافی برای بحث و آزاداندیشی از سوی دولت، نبود اجماع بین نخبگان حاکمیتی با نخبگان سیاسی و ضعف ساختار نظام آموزش عالی به عنوان شرایط زمینه ای؛ همچنین کم توجهی مسئولان به دیدگاه های نخبگان سیاسی، نبود ارتباط و تعامل دولت ها با نخبگان سیاسی، بی نیازی دولت از نظرات نخبگان سیاسی، اعمال محدودیت علیه نخبگان سیاسی، نبود حمایت و تخصیص ندادن بودجه لازم برای پژوهش، سیاستگذاری های بعضا نادرست وزارت علوم و نبود ارتباطات و تعاملات بین المللی به عنوان شرایط علی وضعیت موجود هستند؛ همچنین مقولاتی همچون توسعه نیافتن رشته علوم سیاسی، شکل نگرفتن بنیان های فلسفی و علمی برای نظریه پردازی، روی آوردی غیر معقول به نظریه های غیر بومی، بی انگیزگی دانش آموختگان سیاسی و نیز مهاجرت نخبگان سیاسی از جمله مهمترین پیامدهای چنین فرایندی برشمرده شده است.

واژگان کلیدی: نظریه پردازی، نخبگان سیاسی، نظام سیاسی، دولت.

تاثیر تفاوت قرائت های روسای جمهور ایران از اسلام بر چگونگی تعریف و پیگیری اهداف فراملی (۱۳۶۸-۱۳۹۷)

علی باقری دولت آبادی

دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

abagheri@yu.ac.ir

مریم رحمانی فر

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

maryam.rahmanifar3531@gmail.com

سیاست خارجی دولت ها طبق نظریه سازه انگاری از دو دسته ساختارهای مادی و معنایی تاثیر می پذیرد. در جمهوری اسلامی ایران بخش مهم این ساختارهای معنایی عموماً شامل اصول، قواعد، ارزش ها و هنجارهای دینی می گردد. سوال اصلی که این مقاله قصد پرداختن به آن را دارد این است که تفاوت در نوع تفسیر از اسلام در ایران و ارائه قرائت های مختلف از آن چه تاثیری بر شکل گیری اهداف فراملی متفاوت از سوی دولت ها داشته است؟ فرضیه پژوهش بر این نکته تاکید دارد که نوع تفسیر از ساختارهای معنایی منجر به شکل گیری هویت متفاوت می گردد و هویت متفاوت اهداف و منافع جدید را می سازد. برای این منظور از روش توصیفی و تحلیلی و نظریه سازه انگاری استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد در زمان حیات امام خمینی(ره) یک قرائت رسمی از اسلام در ایران وجود داشت اما بعد از رحلت امام خمینی (ره) چهار رئیس جمهوری که در ایران به قدرت رسیدند هر کدام تفسیری خاص از اسلام ارائه کردند و این تفسیرها منجر به این گردید که دامنه اهداف فراملی ایران قبض و بسط پیدا نموده و به اشکال مختلف تعریف گردد. این سرگردانی در رسیدن به اجماع واحد از اسلام و به کار بستن آن در سیاست خارجی حتی منجر به این گردید که دستگاه سیاست خارجی دچار روزمرگی گشته و نتواند آنگونه که باید اهداف بلندمدت خود را تعریف و تعقیب نماید.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، اسلام، ایران، اهداف فراملی، منافع ملی.

حریم خصوصی اموال و دارایی های مسئولان در نظام حقوقی ایران

شیرین بهروزی نژاد

کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تربیت مدرس

Behroozi3388@gmail.com

جواد تقی زاده

دانشیار حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.

Jtaghizadehd@yahoo.com

امروزه حق بر حریم خصوصی به عنوان یکی از مهمترین حقوق بشر برای تمامی افراد شناسایی شده است. اما آیا حریم خصوصی مسئولان و مقامات نیز همانند سایر شهروندان است یا با آن تفاوت دارد؟ به نظر می رسد که گستره حریم خصوصی مسئولان به ویژه در امور مالی آنان بسیار محدودتر از حریم خصوصی سایر اشخاص باشد؛ چرا که مسئولان به نمایندگی از جانب شهروندان انجام امور را بر عهده داشته و عملکرد آنها به مردم ارتباط پیدا می کند. بنابراین، رسیدگی به اموال و دارایی های مسئولان که معمولا با هدف جلوگیری از وقوع فساد انجام می شود، نه تنها دخالت در حریم خصوصی آنان تلقی نشده، بلکه یکی از مهمترین حقوق شهروندان در راستای نظارت بر مسئولان محسوب می شود. در نظام حقوقی ایران، اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی و قانون رسیدگی به دارایی های مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران به نوعی نظارت بر اموال و دارایی های مسئولان را پیش بینی کرده اند؛ اما سازوکار نظارت پیش بینی شده در این قوانین، شفافیت اموال و دارایی های مسئولان را محقق نمی سازد؛ چرا که اطلاعات مالی مسئولان صرفا توسط نهادهای ناظر مورد بررسی قرار گرفته و به اطلاعات شهروندان در این خصوص چیزی اضافه نمی شود؛ این اطلاعات همچنان محرمانه تلقی شده و حتی در مواردی برای افشای اطلاعات مالی مسئولان ضمانت اجرایی نیز پیش بینی گردیده است. بنابراین، به نظر می رسد که قوانین ناظر بر رسیدگی به اموال و دارایی های مسئولان در نظام حقوقی ایران با تکیه بر حریم خصوصی مسئولان و محرمانه بودن اموال و دارایی های آنان به تصویب رسیده و تنها با پیش بینی نوعی نظارت متمرکز، عدم افزایش من غیر حق اموال و دارایی ها مورد بررسی قرار می گیرد. به همین مناسبت، در این نوشتار با روشی توصیفی- تحلیلی به بررسی گستره حریم خصوصی اموال و دارایی های مسئولان در نظام حقوقی ایران و چالش های مربوط به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی مسئولان، حریم خصوصی اموال و دارایی های مسئولان، رسیدگی به اموال و دارایی های مقامات.

دولت ایران؛ ناکارآمدی در تمرکز و شکنندگی در تکرار

علی چشمی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

a.cheshomi@um.ac.ir

یک از ابعاد نظام اداری دولت که بر مبنای اصول قانون اساسی معین می‌شود درجه تمرکز در آن است. طبق قانون اساسی ۱۳۶۸ ایران، دولت ایران یک دولت نیمه‌متمرکز دو سطحی است که بیشترین وظایف به سطح دولت مرکزی سپرده شده و سطح دولت‌های محلی محدود به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها شده که وظایف محدودی دارند. در این مقاله نشان داده می‌شود دولت مرکزی ایران دارای نظام اداری چندلایه در سلسله مراتب ارائه خدمات عمومی است. در این نظام، وزارتخانه‌هایی مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دارای حداقل ۴ لایه سلسله مراتبی هستند که موجب ناکارایی در کیفیت خدمات آنها شده است. همچنین، وزارتخانه‌های نفت، نیرو، راه و شهرسازی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی با توسل به شرکت‌های دولتی زیرمجموعه خود دچار تمرکزگرایی شدید چندلایه هستند که موجب بروز ناکارایی‌های متعددی به شکل پرسنل مازاد، هزینه‌های غیرضروری، فساد و عدم شفافیت و پاسخگویی است. از طرف دیگر، تکرار بیش از حد در بنگاه‌های اقتصادی خصوصی و سازمان‌های سیاسی و نظارت ناکافی بر دولت‌های محلی سبب شده است این تکرار به رقابت سازنده منجر نشود و شکنندگی منشا ناکارآمدی باشد. شواهد ایران نشان می‌دهد لازمه دولت کارآمد، تمرکز کارآمد در وظایف اصلی دولت مرکزی و تمرکززدایی وظایف غیراصلی آن است و در سطح فعالیت‌های بخش خصوصی و دولت‌های محلی توجه به مقیاس برای جلوگیری از نتایج شکننده اهمیت زیادی دارد.

واژگان کلیدی: بوروکراسی، تمرکزگرایی، تمرکززدایی، ناکارایی، شکنندگی.

دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران در پارادایم علوم سیاسی (بررسی و تحلیل منابع منتخب)

حسین جمالی

هیأت علمی (بازنشسته) دانشگاه مازندران

Hoosein.jamali@gmail.com

مکرّمه جمالی

کارشناس کامپیوتر

Raha.jamali@gmail.com

در خصوص ساختار، جهت‌گیری فکری، خاستگاه اجتماعی و عملکرد دولت جمهوری اسلامی در ایران، تحلیل‌های متفاوتی، تاکنون (۱۳۹۷) ارائه شده که عمده پژوهش‌ها و تحقیقات در این زمینه، از منظر دانش‌ها و دیسیپلین علم سیاست، علوم اقتصادی، حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت و الهیات و دانش دینی، سامان یافته است. مبنای پژوهش حاضر، دولت‌پژوهی جمهوری اسلامی بر اساس دانش سیاسی می‌باشد. از میان نویسندگانی که در پارادایم علوم سیاسی، به واکاوی و بازشکافی دولت جمهوری اسلامی اقدام کرده‌اند، حسین بشیریه، سیداحمد موثقی، سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، عباس حاتمی و محمدتقی دلفروز، به صورت نسبی، متون معتبری را در معرض عموم قرار داده‌اند. حال، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که تحلیل دولت جمهوری اسلامی، بنابر پارادایم علوم سیاسی و در منابع منتخب، متضمن چه روش‌شناسی، یافته‌ها و دست‌آوردی است؟ در مقام پاسخ اولیه، به عنوان فرضیه تحقیق، می‌توان گفت: تحلیل‌های پژوهش‌گران علوم سیاسی مورد نظر، از دولت جمهوری اسلامی، اساساً منطبق بر روش‌شناسی شناخته شده در این دیسیپلین بوده و عمدتاً بر روش گفتمان، الگوهای تحلیلی جامعه‌شناسی سیاسی و نیز نسبت‌سنجی با توسعه، تمرکز دارند. این متون عمدتاً در پی تلاش برای فهم روند تغییرات و تحولات صورت‌گرفته در تجربه سیاست‌ورزی و حکمرانی‌چهل ساله جمهوری اسلامی در ایران هستند. روش پژوهش در مقاله حاضر، توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های پژوهش: بنابر تجزیه و تحلیل‌های دانشوران علم سیاست، دولت جمهوری اسلامی، طیّ چهل سال سابقه تاریخی خود، دارای نشانه‌هایی روشن از ساختار متناقض و پارادوکسیکال، خاستگاه اجتماعی خرده‌بورژوازی و بورژوازی تجاری در اتحاد و ائتلاف با طبقه روحانیت، جهت‌گیری فکری سنت‌گرایی ایدئولوژیک محافظه‌کارانه و عملکرد طرد و سرکوب به جای منطق هژمونی می‌باشد. بنابر مضمون متون موجود در این پارادایم، اگر سیاست‌ورزی و حکمرانی در ایران امروز، ملزم به رعایت خصلت دموکراتیک و مسالمت‌آمیز، حکمرانی بنابر منطق هژمونی (یعنی اقناع و رضایت‌مندی به جای اجبار و پرهیز از سیاست طرد و سرکوب) و اصول توسعه‌گرایی موفق، شود، می‌توان انتظار به‌روزی ایرانیان و توسعه و شکوفایی ایران را داشت.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، دانش سیاسی، هژمونی، ایدئولوژیک، خرده‌بورژوازی، طرد و سرکوب.

سیاست های مالیاتی و تأثیر آن بر دولت جمهوری اسلامی ایران

سید مصطفی حسینی

hosseini.eghtesad@gmail.com

مالیات به عنوان معمولی ترین و مهمترین منبع تامین درآمدهای عمومی و یکی از کارآمدترین و موثرترین ابزارهای سیاستهای مالی به شمار می روند که دولت می تواند به واسطه آن، بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در خدمت مردم قرار دهد و به بسیاری از فعالیت ها و جریانهای اقتصادی و اجتماعی سمت و سوی لازم را ببخشد. شاخص مالیات به هزینه های دولت (T/G) یکی از مهمترین شاخصهای ارزیابی عملکرد نظام های مالیاتی کشورهاست. در این راستا، تأمین کامل مخارج جاری دولت از محل درآمدهای مالیاتی، یکی از اهداف مهمی است که همواره مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی کشور بوده است. با این حال، مقایسه نسبت مالیات به هزینه های جاری ایران با برخی از کشورها حکایت از نقش ضعیف مالیات در تأمین هزینه های جاری دولت دارد. در این پژوهش، تأثیر سیاست های بر کارایی دولت بررسی می گردد. در این خصوص با استفاده از مدل اقتصادسنجی و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) به بررسی تأثیر رشد مخارج دولتی در ناکارایی شاخص مالیات به هزینه های دولت در اقتصاد ایران پرداخته می شود و متغیرهای نرخ بیکاری، مخارج دولت، تولید ناخالص داخلی و درآمدهای نفتی به عنوان متغیرهای توضیحی و نسبت مالیات به هزینه های دولت، به عنوان متغیر وابسته وارد مدل می گردد و برای بررسی علیت متغیرهای مستقل و نسبت مذکور از مدل خودرگرسیون برداری استفاده می شود. نتایج وجود ارتباط مثبت و معنادار بین تولید ناخالص داخلی و وجود ارتباط منفی و معنادار بین نرخ بیکاری و هزینه های دولت با نسبت مالیات به مخارج دولت را تایید می نماید و نشان می دهد، مادامی که تولید رونق نداشته باشد افزایش درآمدهای مالیاتی ممکن نبوده و دولت با کاهش درآمد مواجه می شود.

واژگان کلیدی: سیاست های مالیاتی، دولت جمهوری اسلامی ایران، مخارج دولت، درآمدهای نفتی، نرخ بیکاری، اقتصادسنجی.

دولت شفاف و پاسخگو؛ ویژگی ها و موانع

معصومه السادات حسینی میرصفی

استادیار گروه معارف اسلامی واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

hosseini_7@yahoo.com

پاسخگویی به مثابه رکن رکین حکمرانی مطلوب و لازمه فرآیند دموکراسی ناشی از حق حاکمیت ملت است. پاسخگویی اصالت بخش به حقوق مردم، فزاینده انسجام و مشارکت ملت با کارگزاران، مانع فساد، موجب کارآمدی نظام و حصول چشم‌اندازهای ملی است. بر این اساس سوال اصلی ما در این تحقیق این است که: پاسخگویی و شفافیت دولت در نظام جمهوری اسلامی چگونه است؟

برای این امر، از طریق بررسی قوانین حاکم در جمهوری اسلامی ایران و به طور خاص قانون اساسی نشان داده است که پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای مدل و نظام خاصی است که در اصول مختلف قانون اساسی از صدر تا ذیل کارگزاران قوه مجریه مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پاسخگویی، مسئولیت، حقوق عمومی.

واکاوی تطبیقی نسبت حکم ارتداد و آزادی بیان و عقیده در حقوق اسلام و حقوق بشر

آیدا حیدری

aidaheidari40@yahoo.com

محمد رضا دانش شهرکی

mrezadanesh.sh@ut.ac.ir

«تغییر باور مذهبی» به موجب ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر در زمره آزادی های عمومی و از نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی تلقی می شود. لکن مفاد این ماده در جهان اسلام موضوع تفاسیر مختلف و مواضع متفاوت واقع گردیده است تا جایی که برخی مفاد این ماده را مغایر با آموزه های اساسی اسلام دانسته اند و برخی دیگر آن را منطبق بر تعالیم متعالی اسلام می دانند.

بحث تغییر دین که بنا بر برخی قرائت ها از متون دینی منتج به صدور حکم ارتداد می گردد از مباحث جدی علم کلام در دوران جدید است. بسیاری از فقیهان و روشنفکران معاصر معتقدند که انتخاب دین در زمره حقوق طبیعی بشر است و هر انسانی باید بتواند با استفاده از عقل خود بنیاد پویای خویش به دینی روی آورد یا از یک دین روی برتابد. به همین جهت موافقان این رویکرد معتقدند مرتد دانستن افراد به دلیل استفاده از نعمت عقل و تعیین مجازات برای آن، نه تنها غیرمنصفانه است بلکه به گونه ای آشکار با سایر تعالیم دینی نظیر «نفی وجود اکراه و اجبار در دین» و «دعوت به تفکر و اندیشه» در تعارض است.

همچنین برخی اندیشمندان معتقدند که ارتداد حکمی ست اسلامی و برخاسته از نصوص معتبر لیکن در تعریف آن قائل به تفصیل هستند و می گویند ارتداد عبارت است از رویگردانی از اسلام در حالی که در وجدان خویش به حقانیت اسلام اعتقاد دارد.

البته گروه سوم که حائز رأی اکثریت میان فقهاء می باشد، صرف رویگردانی از اسلام را موجب اثبات عنوان ارتداد و حکم به مجازات قلمداد می کنند.

در این نوشتار ضمن بررسی تفاسیر کلامی و فقهی در باب آزادی بیان و آزادی عقیده در راستای اثبات این فرضیه گام بر می داریم که مجازات مرتد، فی حد ذاته منافاتی با آزادی های مندرج در اسناد حقوق بشر ندارد زیرا به نظر می رسد مفاد مندرج در منابع استنادی فقهاء برای مجازات مرتد بیش از آن که ناظر به روگردانی فرد از اسلام باشد، به دلیل اعمال مغایر با نظم عمومی است که این فرد «انجام می دهد» و رعایت نظم عمومی از حدود پذیرفته شده بین المللی برای اعمال آزادی است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق اسلام، آزادی عقیده، آزادی بیان، ارتداد، نظم عمومی

نافرجامی سیاست‌گذاری‌های توسعه در دولت ایدئولوژیک

علی‌رضا حیدری

استادیار گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

heidari@cfu.ac.ir

سیاست‌گذاری‌های توسعه‌آفرین که بخش مهمی از نظام سیاست‌گذاری عمومی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد در پی ارتقای شاخص‌های رشد اقتصادی، افزایش تولید ملی، کاهش فقر و نابرابری، بهبود شاخص‌های زندگی شهروندان و تأمین رفاه اجتماعی است. موفقیت این گونه از سیاست‌گذاری‌ها مرهون عوامل مختلفی است که در میان آن‌ها نوع، ساخت و ماهیت دولت اهمیت ویژه‌ای دارد. فلسفه، موضع‌گیری‌ها و دستورالعمل‌های دولت و نظام سیاسی به میزان زیادی دستور کار، اصول و قواعد فرایند سیاست‌گذاری آن را مشخص می‌نماید و به مثابه‌ی نقشه‌ی راه مسیر توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار را تعریف، تحدید و تعیین می‌کند. ساخت نهادی دولت با قدرت و اقتدار و نیز مشروعیتی که در تخصیص منابع جامعه در اختیار دارد قادر است آثار و نتایج تعیین‌کننده‌ای بر سیاست‌ها، تصمیمات و اقدامات نهادهای حکومتی بر جای گذارد. در توصیف و سنخ‌شناسی دولت در ایران پس از انقلاب علاوه بر رانتیری، پوپولیستی، توزیعی و مردد خواندن، بر وجه ایدئولوژیک تأکید شده است. دولت ایدئولوژیک به دولتی اطلاق می‌گردد که بر اساس ایدئولوژی واحدی مدعی تنظیم و کنترل همه‌ی ابعاد زیست اجتماعی است و همه‌ی توان و منابع را برای پیشبرد آن به کار می‌گیرد. از آن جا که این نوع دولت به طور آمرانه و اجباری در صدد تحمیل ایدئولوژی یگانه، متصلب و غیرقابل انعطاف و فاقد رهنمودهای روشن و راهگشا است و اجازه‌ی نقد، گفتگو و نوآوری برای بازنگری و اصلاح آن را صادر نمی‌نماید، در سیاست داخلی از ظرفیت و توانایی برقراری ارتباط مؤثر و جلب همفکری و همیاری جامعه‌ی مدنی و دانشگاهیان محروم می‌ماند و در سیاست خارجی اصرار و پافشاری بر سیاست‌های جزمی، تهاجمی و ستیزه‌جویانه امکانات و فرصت‌های همکاری و تعامل سازنده و مفید با نظام بین‌الملل را از کف می‌دهد. به علاوه، اتکا و ابتدای مشروعیت دولت ایدئولوژیک بر پایه‌ی مبانی عقیدتی و نه کارکردی، آن را در چنبره و زنجیره‌ای از بحران‌ها (بحران مشارکت، بحران هویت، بحران نفوذ، بحران توزیع، بحران همگرایی و یکپارچگی و ...) و در صدر آن‌ها بحران کارایی گرفتار می‌آورد. براینند مجموعه‌ی این ویژگی‌ها و عوامل، مواجهه و برخورد سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای با موانع، چالش‌ها، دشواری‌ها و مشکلات حاد و جدی است. فاصله‌گرفتن از نگرش‌ها و چارچوب‌های ایدئولوژیک و افراطی و نیز در پیش گرفتن سیاست‌های عقلانی، واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه در هماهنگی و همخوانی با نیازهای جامعه‌ی داخلی و بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ی کارایی و اثربخشی بیش‌تر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: دولت ایدئولوژیک، سیاست‌گذاری توسعه، سیاست‌گذاری عمومی، ساخت نهادی دولت، بحران کارایی.

اثر کاهش سرمایه اجتماعی بر کارآمدی جمهوری اسلامی ایران

علی خدابنده بایگی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، مدیریت توسعه و تطبیقی

Akh2564@gmail.com

سرمایه اجتماعی به مثابه ذخیره‌ای ارزشمند در تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود. امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. از این رو در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود. مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی اعتماد است. در این نوشتار بر این باوریم بخش‌ها و نهادهای مختلف جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با تدارک فضای اجتماعی اعتماد‌زا و تبعیض‌زدا زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم کنند سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین عوامل کارآمدی دولت و توسعه پایدار است. عملکرد دولت و سرمایه اجتماعی دو مؤلفه‌ای هستند که تاثیر مستقیمی بر روی هم دارند در این مقاله با روش توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای سعی در بررسی علل کاهش سرمایه اجتماعی و راهی برای جلوگیری از آن هستیم. ما بر این باوریم که یکی از دلایل اصلی تنزل سرمایه اجتماعی در یک جامعه ناشی از عملکرد ضعیف دولت و نهادهای برآمده از آن است که رفتارهای تبعیض‌آمیز این نهادها می‌تواند از مهمترین عوامل این کاهش باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران، اعتماد، تبعیض.

چیستانِ جرم سیاسی در نظام حقوق اساسی ایران

محسن خلیلی

استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

khalilim@um.ac.ir

خصلت انقلاب اسلامی، ماهیت قانون اساسی و ذهنیت چیره بر فضای تدوین قانون اساسی، همگی نشانگر آن هستند که نمی توان قانون اساسی ایرانِ پسانقلاب را درگروه بندی قوانین اساسی برآمده از مدرنیته قرار داد. انقلاب اسلامی در هنگامه ی چیرگی شریعت ایدئولوژیزه، پیروز شد. با بنیادگیری جمهوری اسلامی، موازین شرعی با ماهیتِ سرمدی/ لاهوتی، به خدمت مشروعیت قواعد و هنجارهای حاکم درآمد. مطابق اصول یک تا پنج قانون اساسی، موازین اسلامی، شرع، شریعت و فقه با تمامیت خود، بر اصول قانون اساسی و قوانین عادی برتری یافت؛ و، در آن میان، جرم سیاسی، در یک دشواره، گرفتار شد. پرسمانِ حقوقی نوشتار، آن است که، هنگام شناختِ جرم سیاسی، هم، از مدرنیته بایست بهره گرفت و هم از فقه؛ و، نکته آن است که در تمایزهای دوجموعه ای، از شگرد آمیزش هم/ین/ هم/آن نمی توان بهره گرفت؛ زیرا، دست آورد نهایی نه/ین/ نه/آن است.

واژگان کلیدی: ایران، قانون اساسی، نظام حقوقی، جرم سیاسی.

قابلیت سازی دولت: روایتی مساله‌محور از تدوین تا اجرا سیاست‌های توسعه

مسعود درودی

دکتری سیاست گذاری عمومی و پژوهشگر ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

همه دولت‌ها می‌توانند مدرسه ساخته و آن را به آخرین تجهیزات آموزشی مجهز سازند، راه سازی کنند، زیرساخت‌های مخابراتی خود را توسعه بخشند، اتوبانهای مدرن احداث کنند، قیمت‌های کالایی را در بزنگاه‌های تاریخی تغییر دهند، کارخانجات ماشین سازی ایجاد کنند، میتوانند بودجه های زیادی را برای سلامت خرج نمایند و هزاران اقدام از این دست را انجام می‌دهند. اما کمتر می‌توانند کیفیت آموزشی معلمان و یادگیری دانش آموزان را ارتقا دهند، کمتر می‌توانند ایمنی و اطمینان رانندگی را گسترش دهند، کمتر می‌توانند تنظیم‌گری بهینه ای را برای توازن نیروهای بازار صورت دهند و کمتر قادرند شاخص‌های کیفیت سلامت عمومی و اجتماعی را افزایش بخشند. کمتر می‌توانند اقدامات خود را برای خروج از فقر بهبود دهند و اغلب در اصلاح ساختار بودجه‌ای خود ناموفق بوده‌اند. اما چرا برنامه‌ها منجر به ارتقای ملموس سطح توسعه‌یافتگی در برخی کشورها نمی‌شود؟ پاسخ را باید در فقدان فقدان قابلیت لازم برای اجرای پروژه‌ها و سیاست‌ها (Policies) دانست.

در سال‌های اخیر در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی از مفهوم قابلیت دولت (*State Capability*) برای توصیف توانایی نظام اداره کشور (منظور تنها قوه مجریه نیست بلکه همه اجزایی است که چگونگی اداره کشور را تعیین می‌کنند) در پیاده‌سازی توسعه بسیار سخن گفته می‌شود. در بسیاری از کشورها دولت‌ها در پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه‌گرای خود ناتوان هستند. زمانی فکر می‌شد مساله یا کمبود منابع است (عمدتاً در کشورهای آفریقایی) یا فقدان دانش و تخصص و ایدئولوژی توسعه‌گرا (مثلاً در بسیاری از کشورهای نفتی) است. به نظر می‌رسد تبدیل ایده و منابع به توسعه نیازمند قابلیت‌هایی در بوروکراسی اداره کشور است که به سادگی قابل ایجاد نیست. اثربخشی (*Effectiveness*) بوروکراسی اداره کشور تحت تاثیر عواملی فراتر از تخصص مدیران ارشد دولت و منابع فیزیکی در اختیار دولت است. گفته می‌شود این‌گونه دولت‌ها گرفتار نوعی درخودماندگی (*Big Stuck*) شده‌اند یعنی در تله قابلیت (*Capability Trap*) گیر افتاده‌اند و منابع صرف‌شده به دلیل فقدان قابلیت بوروکراتیک عملاً هدر می‌روند. گاهی این مشکل به دلیل نداشتن راه‌حل‌های بومی و اتکا به نسخه‌های عمومی (*Isomorphic Mimicry*) است. یعنی دولت ادای دیگران را درمی‌آورد. چون کاری مورد تایید جهانی است بدون آنکه آن را مناسب شرایط کند و عمدتاً با هدف بستن دهان منتقدان آن را کپی ناشیانه می‌کند. گاهی هم دولت واقعاً در مقابل انتظارات مستاصل می‌شود و به سراغ راهکارهای وصله‌پینه‌ای ضعیف برای مشکلات اساسی و جدی می‌رود (*Premature Load Bearing*). در دانش سیاست‌گذاری عمومی ادبیات غنی‌ای در خصوص بحران قابلیت در اداره امور کشور وجود دارد که به خوبی وضعیت امروز ایران را توصیف می‌کند. دولت (به معنای اعم آن و نه فقط قوه مجریه) با انبوهی از مشکلات و انتظارات روبه‌رو است اما فاقد قابلیت‌های بوروکراتیک برای حل مسائل است و به همین دلیل با روش‌های کپی کارانه یا وصله‌پینه‌ای به دنبال حل سریع و عوام‌پسندانه مشکلات فوری است. فساد مالی و اداری و نیز هماهنگ نبودن (در مواردی معارض بودن) قدرت اجرایی هم مزید بر علت شده است. از سوی دیگر گسیختگی اجتماعی هم فشار را بر دولت بیشتر کرده، هم انتظارات روزبه‌روز بیشتر می‌شود هم به دلیل زوال همبستگی اجتماعی، قابلیت دولت کمتر هم می‌شود. درآمد تقریباً نیمی از خانوارهای ایرانی مستقیم یا با یک واسطه از اشتغال در دولت یا نهادهای عمومی تامین می‌شود. این افراد همان کسانی هستند که به عنوان شهروند گرفتار گسیختگی اجتماعی هستند و به عنوان کارمند در یک دولت کم‌قابلیت کار می‌کنند. دولتی که بتواند بر ابرچالش‌ها فائق آید از یک‌سو باید بتواند توان قابلیت‌سازی درون دولت داشته باشد و از سوی دیگر باید بتواند مانع گسیختگی اجتماعی شود. در این مقاله تلاش می‌شود تا رویکرد «انطباق تکرارشونده مسئله-محور»^۱ (PDIA) به عنوان مهمترین رویکرد ارتقای قابلیت دولت را معرفی کرده و اصول آن را بررسی شود.

1. Problem-Driven Iterative Adaptation (PDIA)

تو در تویی نهادی: فراسوی چپ و راست، فراسوی فرهنگ ضد توسعه و رانت

علی دینی ترکمانی

استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

Ali.dini2000@gmail.com

"تو در تویی نهادی" در مقام علت‌العلل اساسی چالش های توسعه ای ایران است، به معنای وضعی است که در آن مراکز قدرت، متعدد و بیش از اندازه است. خروجی نهایی این وضع، "شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی" و ظرفیت جذب ضعیف است. این شکست، موضوعی در حوزه ساخت قدرت است. یکی از خروجی‌های مهم تو در تویی نهادی، ظرفیت جذب ضعیف است که به معنای ناتوانی اقتصاد در جذب و هضم منابع اقتصادی و تبدیل آن به امکانات تولیدی مولد با کیفیت بالاست. ظرفیت جذب ضعیف، خود را از سویی در فرایند انباشت سرمایه ضعیف اتلاف کننده منابع نشان می‌دهد و از سوی دیگر در ناتوانی در انتقال دانش علمی و فنی رایج را مرزهای جهانی.

در این مقاله، سعی می‌کنم به اختصار و اجمال، به چرایی شکل‌گیری تو در تویی نهادی با پیامدهای شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی و ظرفیت جذب ضعیف در اقتصاد ایران و نحوه‌ی تبیین آن بپردازم و مسیری را برای تکمیل این دیدگاه در مطالعات آینده باز کنم. سعی می‌کنم نشان دهم که برای تبیین تو در تویی نهادی، باید به فراسوی چارچوب‌های نظری شناخته شده‌ی چپ و راست و همین‌طور به فراسوی چارچوب‌های نظری موسوم به "فرهنگ ایلیاتی" و "رانت نفتی" و "امتناع اندیشه" رفت. بنابراین، پرداختن به تو در تویی نهادی و تلاش برای حل و فصل آن، مقدم بر پرداختن به مناقشه چپ و راست و همین‌طور مناقشه‌های میان فرهنگ و ضد فرهنگ، و دولت رانتیر نفتی ضد توسعه و دولت فارغ از رانت نفتی توسعه‌خواه است. به بیانی دیگر، اگر تو در تویی نهادی ناشی از تضاد میان رویکرد سنت‌گرای تجدد ستیز و رویکرد بومی‌گرا باشد، در این صورت با تلاش برای رفع این تضاد، در لحظه‌ی تاریخی اکنون، می‌توان زمینه‌ها را برای تبدیل امکانات تولیدی در دسترس به ظرفیت های تولیدی مولد و پیشبرد برنامه‌ی دموکراتیزاسیون فراهم کرد.

واژگان کلیدی: تو در تویی نهادی، دموکراتیزاسیون، دولت رانتیر.

بررسی بحران کاهش ورودی آب سد دوستی بین ایران و افغانستان و ظرفیت های ایران برای حل دیپلماتیک این موضوع

حسن رحمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

rahmanihasan814@gmail.com

مسائل مربوط به آب و امنیت داخلی یک کشور که بقای همه یا قسمتی از آن کشور را تهدید می کند امروزه می تواند از طریق دیپلماسی و سیاست خارجی مورد پیگیری قرار گیرد و راهی برای حل آن اندیشیده شود و از بروز درگیری های ناخواسته بین کشورها پرهیز شود. در این مقاله نویسنده به دنبال بررسی روابط ایران و افغانستان در بحث آب و به طور خاص بستن سد سلما بر روی رودخانه هریرود، سرشاخه سد دوستی در کشور افغانستان و کمبود شدید ورودی آب به سد دوستی هستیم که آب بیش از ۷۰ درصد از شهر مشهد، دومین شهر پرجمعیت ایران را تأمین می کند و هرگونه مشکل در این حوزه با امنیت این شهر و شرق کشور مرتبط است و ضروری است دولت در چارچوب دیپلماسی آب (با رویکرد هیدروپلیتیک) با دولت افغانستان وارد مذاکره شود. و از پیچیده تر شدن موضوع جلوگیری کند. چرا که حل و فصل هرچه زودتر این بحران برای مشکل آب شرب مشهد ضروری است. در این راستا سؤال تحقیق این است که چه ظرفیت هایی از طرف ایران برای اقناع افغانستان وجود دارد تا از حبابه اش از هریرود که به سد دوستی وارد می شود استفاده کند و آب شهر مشهد را تأمین کند؟ در مورد چارچوب نظری تحقیق، می توان هیدروپلیتیک را دانش مطالعه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جوامع، امنیت منطقه ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست محیطی می باشد. با نگاهی به متون و ادبیات موجود در حوزه مطالعاتی هیدروپلیتیک، چهار گرایش قابل تشخیص هستند: ۱- آب، منازعه و همکاری. ۲- آب و محیط زیست. ۳- آب و امنیت. ۴- آب، جامعه و فرهنگ. ما در این تحقیق قصد استفاده از گرایش اول یعنی آب، منازعه و همکاری را داریم. در این گرایش، نقش اصلی را دولت برعهده دارد و مطالعات بر محور منازعه و همکاری بر سر آب در چارچوب دولت و روابط میان دولت ها متمرکز است. و روش گردآوری داده های این تحقیق، توصیفی- کتابخانه ای و از لحاظ علمی و هدف، تحقیق کاربردی از نوع عملی (حل یک مشکل خاص) می باشد.

واژگان کلیدی: سد دوستی، هیدروپلیتیک، دیپلماسی آب، سد سلما، رودخانه های بین المللی.

رویارویی جامعه رو به تنوع و دولت رو به انحصار، بحران تعامل دولت و جامعه در جمهوری اسلامی

سید مهدی رضوی

عضو هیات علمی (مربی) دانشگاه پیام نور و دانشجوی مقطع دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

Seyedmahdi.razavi@gmail.com

یکی از مهمترین کانون های تولید بحران در جمهوری اسلامی شکاف ذهنی و رفتاری دولت و جامعه است. علی رغم آنکه انقلاب اسلامی محصول بازخوانی مدرن، فراگیر و دمکراتیک از سنت اسلامی بود، اما در سالهای پس از استقرار جمهوری اسلامی، همواره شاهد گرایش قوی و مداومی بوده ایم که سعی دارد بازخوانی پدرسالارانه یا ایدئولوژیک از دولت اسلامی را تنها روایت معتبر و رسمی قلمداد کرده و به نحوی اقتدارآمیز با جامعه تعامل نماید. این در حالیست که برخلاف مسیر تحول دولت در جمهوری اسلامی، نسل جوان کشور به عنوان بدنه فعال جامعه، به نحو شتابنده ای به ارزش ها و قالب های فکری و رفتاری مدرن روی آورده و این دو حرکت متضاد، بحران های انباشته ای را در روابط دولت و جامعه ایجاد کرده اند. نمود بارز این شکاف در گرایش جامعه به تنوع پذیری و تشخیص طلبی و گرایش دولت به گزینشگری محدودتر سیاسی، یکسان سازی اجتماعی و الگودهی های آمرانه است. رویکرد آمرانه و ایدئولوژیک دولت در مواجهه با جامعه رو به تنوع و تکثر ایران، طردشدگی اجتماعی، مقاومت منفی و ((سیاسی شدن)) شکاف های ذهنی و رفتاری را در پی داشته است. در سه دهه نخست انقلاب، دولت جمهوری اسلامی در چارچوب گفتمان نیرومند انقلاب و با اتکاء به درآمدهای مستقلانه نفتی، الگوهای متنوع تحمیل، حذف و انکار را در مواجهه با جامعه اتخاذ می نمود. اکنون جمهوری اسلامی با چالش های متعددی از جمله کاهش درآمدهای دولت، قدرت گیری جامعه و گسترش رسانه های غیر انحصاری مجازی مواجه است و استمرار و تحکیم آن سیاست ها با دشواری های جدی و حتی امتناع روبرو اند. در سالیان اخیر حجم انباشته بیگانگی و طردشدگی گروهها و اقشار در حوزه های ((الگوپذیری های اجتماعی و فرهنگی)) و ((جامعه پذیری و اعتماد سیاسی)) در ایران به مرحله خطرناکی رسیده است. در شرایطی که دولت جمهوری اسلامی با فشارهای فزاینده داخلی و خارجی مواجه است، تداوم سیاست های تحمیل، انکار، انحصار و به حاشیه رانی، موجب ریزش شدید پایگاه اجتماعی دولت و ((تضعیف خطرناک ساختار سیاسی)) خواهد شد. عقلانیت و آینده نگری سیاسی حکم می کند تا در جهت کاهش خطر طردشدگی و افزایش سرمایه اجتماعی دولت، تجدید نظر فراگیر، دمکراتیک و تنوع پذیر در فرآیند تولید و اعمال سیاست های گزینشگری سیاسی و الگودهی های اجتماعی جمهوری اسلامی و جذب ((گروه های به حاشیه رانده)) صورت گیرد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، شکافهای اجتماعی، طردشدگی، گروههای حاشیه ای، گزینش سیاسی.

تحلیل کارکرد شوراهای محلی در پرتو اصول قانون اساسی

محمد زرشکی

mohammad.zereshki@yahoo.com

شوراها به عنوان پایه ای ترین شکل سازماندهی اجتماعی از جمله ابزارهای قدرتمندی هستند که راه را به سوی دموکراسی مستقیم و تمرکززدایی از قدرت مرکزی می گشایند و اعمال بی واسطه حق حاکمیت را در عرصه های مشخصی از زندگی اجتماعی میسر می کنند. قدر مسلم شوراها را می توان به عنوان یکی از ارکان نظام سیاسی کشور مورد ارزیابی قرار داد، چرا که یک فصل و در مجموع هشت اصل از قانون اساسی به این رکن اختصاص داده شده است. از اصل هفتم قانون اساسی می توان به عنوان اصلی فرادستوری راجع به واحدهای اداری محلی یاد نمود. اصل مزبور برای شوراهای محلی شانی هم سنگ مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته است و این واحدهای اداری محلی را از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشور دانسته است. از سوی دیگر در اصل یکصد و دوم قانون اساسی برای شوراهای محلی صلاحیت ابتکار قانونگذاری در نظر گرفته شده است. البته می توان از اصل مزبور به عنوان اصلی مغفول یا حتی معطل در قانون اساسی نام برد که تاکنون در حوزه اجرا توجه شایانی به آن نشده است. مسلماً تشکیل شوراها، گامی به سوی خودگردانی است، چرا که همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و امکان توسعه ی موزون و متعادل را در سراسر قلمرو و سرزمینی فراهم می کند. نهاد شورا در ساختارهای متعدد قانون اساسی از قوای سه گانه گرفته تا نهادهای خاص همچون شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گشته است. این موضوع نشان از اهمیت فراوان این نهاد نزد مقنن اساسی دارد. در بحث از کارکردهای این نهاد، برخی محققان آن را منحصر به کارکردی یگانه (نظارتی و یا مشورتی) دانسته اند. اما بررسی و تدقیق در این مورد، نمایانگر این است که نمی توان این نهاد را منحصر به یک کارکرد دانست. شوراهای محلی از ماهیتی با کارکردهای مختلط تقنینی، نظارتی، اجرایی، تصمیم گیرانه و مشورتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: شوراهای محلی، قانون اساسی، تمرکززدایی، اصل هفتم قانون اساسی.

پیدایی جامعه مخاطره آمیز و تاثیر آن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری دولت جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی از ۱۳۹۰ تا کنون)

پیمان زنگنه

مربی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

P_zanganeh@birjand.ac.ir

سمیه حمیدی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

زهرا آراسته

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

Zah.arasteh@gmail.com

گسترش مدرنیته در ساختار نظام جهانی، اثرات مهمی بر ماهیت و کارکرد دولت داشته است. پیدایش مدرنیته اول به ظهور دولت‌های مدرن انجامید که ویژگی برجسته آن گسترش دستگاه بوروکراسی، ظهور ارتش‌های نوین و تاکید بر پروژه دولت مدرن بود. اما ظهور مدرنیته دوم با تاکید بر مولفه‌هایی نظیر بازخوانی نقش دولت در حیطه مرزهای ملی و واپاشی نظم دولت مدرن در ابعاد گوناگون، ضمن تولید مخاطراتی برای دولت بر ماهیت و کارکرد آن اثرگذار بوده است. نوشتار پیش‌رو برآن است تا ضمن بررسی مخاطرات ناشی از تاثیر مدرنیته دوم بر ماهیت دولت، نحوه اثرگذاری آن بر تصمیم‌گیری و کنشگری دولت‌های جمهوری اسلامی در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا کنون را با استفاده از رویکرد تحلیلی جامعه مخاطره آمیز اولریش بک مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: جامعه مخاطره آمیز، دولت مدرن، ایران، مدرنیته.

یاست خارجی دولت یازدهم: توسعه ملی بر پایه تعامل بین‌المللی

مهدی زیبایی

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

zibaei@soc.ikiu.ac.ir

بدون شک رکود بزرگ اقتصاد جهانی در سال‌های ۹-۲۰۰۸ را می‌توان سر آغاز شروع مرحله‌ای جدید در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانست، چرا که این واقعه تسهیل کننده نقش‌آفرینی تعدادی از کشورهای پیرامونی در قالب قدرت‌های نوظهور گردید. در این ارتباط، شکل‌گیری گروه ۲۰ (G 20) که به طور تقریبی دو سوم اعضای آن متشکل از کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی سابق هستند و انتقال قدرت گروه ۸ (G 8) به گروه ۲۰ در تدوین سیاست‌های کلان مالی و اقتصادی نظام بین‌الملل باعث ایجاد بذریه‌های امید در ذهن نخبگان سیاسی کشورهای پیرامونی گشت که با هدف‌گذاری صحیح و تلاش مضاعف قادر به تغییر جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند. در این میان سوال اصلی آن است که سیاست خارجی دولت‌های پیرامونی عضو جی بیست چه مولفه‌هایی را برای استفاده از فرصت‌های موجود در محیط بین‌الملل مورد توجه قرار داده است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند مسیر دیگر دولت‌های پیرامونی را به سمت ارتقاء جایگاه مربوطه در نظام بین‌الملل هموار سازد. به عبارت دیگر، امکان ارتقاء موقعیت بازیگران پیرامونی منوط به آشنایی با قواعد جدید بازی در محیط بین‌الملل و بکارگیری آنهاست. در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور (۱۳۹۲) حسن روحانی موفق شد با شعار اعتدال‌گرایی و تعامل سازنده با محیط بین‌الملل در انتخابات یاد شده بر دیگر رقبا پیروز گردد. نقش فعال سیاست خارجی دولت یازدهم در بخش اقتصاد و تلاش‌های آن برای مرتفع نمودن موانع بیرونی تا اندازه‌ای یادآور سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور در محیط بین‌الملل می‌باشد. در مقاله حاضر سعی خواهد شد سیاست خارجی دولت یازدهم بر پایه مدل تحلیلی استخراج شده از روابط بین‌المللی قدرت‌های نوظهور مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه، بین‌الملل، اقتصاد، بریکس، پیرامون.

عدالت اجتماعی در حوزه سلامت در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت پژوهی دولت در طرح تحول نظام سلامت)

محمد حسین ساقی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

drmhsaghi@gmail.com

با توجه به اهمیت سلامت در تأمین سلامت عمومی جامعه و شاخص های عدالت در حوزه سلامت جمهوری اسلامی ایران و عملکرد نظام سلامت و نقش دولت در تأمین استفاده و دسترسی همگانی به دریافت خدمات حوزه سلامت مطابق با اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این که دولت را مکلف به این مهم نموده است، در این نوشتار نگارنده علاوه بر دولت پژوهی در حوزه سلامت به بررسی طرح تحول نظام سلامت در نیل به دستیابی عدالت اجتماعی در حوزه سلامت پرداخته است. در این راستا با استفاده از شاخص های تعیین کنندگی عدالت در حوزه سلامت و مقایسه آن در عملکرد دولت پس از اجرای طرح تحول نظام سلامت سعی بر ارزیابی کمی و کیفی میزان توفیق و پیشرفت شاخص های تعیین کنندگی عدالت اجتماعی در حوزه سلامت می نماید.

در این مطالعه تلاش شده است تا ملاک قضاوت، از ۵۲ شاخص بین المللی تحت عنوان تعیین کننده های عدالت اجتماعی سلامت برای سنجش عدالت اجتماعی در حوزه سلامت مورد ارزیابی قرار گیرد.

استفاده گردد

روش پژوهش: در این مطالعه توصیفی و تحلیلی و آماری، با مرور منابع ملی و بین المللی، جهت ارزیابی شاخص های عدالت در سلامت، با استفاده از نظرات خبرگان و اساتید دانشگاهی معتبر گردید. سپس با استفاده از ابزار و منابع مورد بررسی، شاخص های ۵۲ گانه عدالت در سلامت و عملکرد دولت پس از اجرای طرح تحول نظام سلامت مورد ارزیابی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی در سلامت، طرح تحول نظام سلامت، مراقبت های بهداشتی اولیه، شاخص های عدالت در سلامت.

بوروکراسی و تحول در نظام اداری ایران پس از انقلاب

مریم سپنجی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم

sepanjimaryam92@gmail.com

نظام اداری بدنه اصلی قوه مجریه و بازوی اجرایی آن است. با وجود این در اکثر کشورها حتی ممالک توسعه یافته کارایی و اثربخشی نازلی دارد و در عین حال مسولیت های خطیر و ویژه ای نیز به عهده دارد. بانک جهانی در گزارش توسعه خود رسماً ضعف و ناتوانی دولت ها را ناشی از ضعف زیرساخت های نظام اداری و لزوم تحول و توسعه آنها می داند و یکی از عوامل جلوگیری از فساداداری را نظارت دقیق و مستمر نهادهای قانونی ذی ربط معرفی می کند.

سابقه تحول اداری در ایران به برنامه توسعه هفت ساله دوم (قبل از انقلاب) و دهه ۱۳۳۰ باز می گردد اما برنامه مذکور بنابر گزارش هیات اعزامی به دلیل عدم پشتیبانی، نبود امکانات و... با شکست مواجه شد. پس از انقلاب در برنامه اول توسعه بر لزوم ایجاد تحول در نظام اداری تاکید شد و مهم ترین اقدام در این زمینه تاسیس مجدد شورای عالی اداری بود. در برنامه دوم و خصوصاً نیمه دوم آن حرکت جدیدی در سازمان امور اداری و استخدامی آن زمان آغاز و تلاش شد تا برنامه های عملیاتی برای تحقق تحول اداری تدوین شود، تا پایان برنامه دوم توسعه مرحله شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام اداری صورت پذیرفت و استراتژی های ایجاد تحول به برنامه سوم موکول شد. در برنامه سوم فرآیند تحول در قالب ۷ برنامه ۴۰ طرح ملی در دستور کار دولت قرار گرفت.

در راستای اجرای سیاست های کلی نظام اداری دولت دهم طی بخشنامه ای ده برنامه تحول اداری را به دستگاههای اجرایی ابلاغ نمود، با روی کار آمدن دولت یازدهم ده برنامه تحول اداری متوقف و شورای عالی اداری در قالب ((نقشه راه اصلاح نظام اداری)) هشت برنامه تحول نظام اداری را تدوین نمود. در سیاست های کلی برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) نیز در رابطه با اصلاح نظام اداری مواردی چون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

در شرایط کنونی کشور برای ایجاد تحول اساسی در نظام اداری در چهارچوب چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و تدابیری که تحت عنوان سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح می باشد لازم است دستگاههای مسئول نظام اداری را در جهتی که قادر به عملی نمودن تدابیر و اهداف چشم انداز سال ۱۴۰۴ باشد هدایت نمایند. تحقیق حاضر با هدف بیان مراحل تحول اداری ایران پس از انقلاب، و جایگاه بوروکراسی های گوناگون در بدنه نظام اداری و چالش های پیش روی طرح های تحول نظام اداری نگاشته شده است و از روش توصیفی - تحلیلی در کنار چهارچوب نظری و مطالعات کتابخانه ای متون معتبر استفاده شده است. و لذا هدف والای مدیران دستگاهها صیانت از این امر باشد که بوروکراسی موجود تحت تاثیر منویات و گرایشات سیاسی و تحرکات سیاسی تغییر رویه ندهد و مهم نیست در آینده کدام دولت امور را بر عهده گیرد اما مهم است کشور به گونه ای اداره شود که منافع و عزت ملی پایدار بماند.

واژگان کلیدی: بوروکراسی، تحول اداری، اصلاح نظام اداری.

تبیین سیاست خارجی دولت حسن روحانی در تعامل سازنده با اتحادیه اروپا (از منظر تئوری واقع گرایی)

هادی شرفی

دانشجوی مقطع دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خلیج فارس - خرمشهر

Hadi.sharafi55@yahoo.com

حامد محقق نیا (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Mohagheghnia7877@gmail.com

نگاه اروپا به ایران در دولت یازدهم با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین الملل و تاثیرگذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته ای ایران حائز اهمیت است. کشورهای اروپایی همواره نگاه ویژه ای به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس داشته اند. نفوذ سیاسی و تسلط بر بازارهای اقتصادی با توجه به جمعیت قابل توجه در این منطقه همواره از نکات قابل توجه اروپا به این منطقه بوده است. در این میان ارتباط با ایران به عنوان کشوری بزرگ با امکانات فراوان و در مجاورت دریای خزر و خلیج فارس برای اغلب کشورهای اروپایی حائز اهمیت بوده است. با شروع بحث پرونده هسته ای و متعاقب به قدرت رسیدن اصولگرایان در ایران دوران سردی روابط ایران و اتحادیه اروپا آغاز شد که تا سال ۱۳۹۲ نیز ادامه داشته با به قدرت رسیدن حسن روحانی در ایران و اتخاذ سیاست خارجی جدید رویکردهای جدیدی در مناسبات اروپا و ایران آغاز شد. مجموعه تحولات باعث گردید تا برای نخستین بار در طی ده سال گذشته توافقی برای حل و فصل مسائل هسته ای ایران در ژنو حاصل شود. بر این اساس، در این مقاله قصد آن داریم تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و اسناد اینترنتی گفتمان اعتدال گرایی در دوره حسن روحانی به بررسی روابط سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم (دولت حسن روحانی) پرداخته شود. سوال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه تعامل سازنده سیاست خارجی و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و از منظر تئوری واقع گرایی چگونه قابل ارزیابی است؟

واژگان کلیدی: تعامل سازنده، سیاست خارجی، دولت روحانی، اتحادیه اروپا، واقع گرایی.

تعیین‌کنندگی طبقه متوسط در شکل‌گیری دولت‌های ایران در دوران پسا انقلاب اسلامی

ابوالقاسم شهریار

Ab.shahriari@stu.um.ac.ir

فاطمه مصیبي

fa.mosayebi@mail.um.ac.ir

پس از انقلاب اسلامی و به دلایلی چون جو همراه با هیجان پس از انقلاب و همچنین وقوع جنگ و حاکم شدن شرایط اقتصادی ویژه بر ایران، طبقه متوسط عملاً از تاثیرگذاری چندانی برخوردار نگردید. اما با اتمام جنگ در سال ۱۳۶۷ و آغاز دوران موسوم به تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران، این طبقه مجدداً در ایران احیا گردید. سوال اصلی پژوهش حاضر که به روش فراتحلیل کیفی صورت گرفته این است که طبقه متوسط پس از احیاء در نیمه اول دهه ۱۳۷۰، چه نقشی در تعیین دولت در ایران داشته است؟ با مفروض گرفتن این موضوع که برای طبقه متوسط، هدف اصلی بهبود شرایط زندگی است و به همین دلیل ثبات سیاسی اولویت اول محسوب می‌گردد، نتیجه بررسی شش دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران (دولت‌های هفتم الی دوازدهم) نشان می‌دهد که در پنج دوره، طبقه متوسط دارای اکثریت نسبی بوده و توانسته از میانه دهه ۱۳۷۰ به بعد به بازیگر اصلی انتخابات ریاست جمهوری در ایران تبدیل گردد.

واژگان کلیدی: طبقه متوسط، انتخابات ریاست جمهوری، فراتحلیل کیفی.

مبانی اخلاقی قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران

شیلا شیعه زاده

sh.shiehzadeh@gmail.com

قانون اساسی برترین هنجار در هر جامعه سیاسی است که پیمانی بین ملت و دولت جهت تفویض قدرت و تقسیم آن تلقی می شود و به عنوان قانونی بنیادین متضمن حفظ آزادی های فردی و جمعی است و از سویی به تنظیم قدرت می پردازد. لذا براساس قانون اساسی صلاحیت و اختیار زمامداران تعیین و قدرت حکومت مشخص می گردد. قانونی که موسس آن مردم هستند و مقدم بر قدرت دولت است به بیان ساده قانون اساسی است که دولت را پایه گذاری و قدرت را به وی تفویض می دارد. این قانون هم چون عرف ها، رسوم و آداب اجتماعی متأثر از هنجارهای اخلاقی جامعه است، آن چه در این میان به مقاله حاضر ربط وثیق پیدا می کند بررسی زمینه های اخلاقی قانون اساسی به مثابه منشا هنجار گذار است. مفروض نویسنده آن است که اخلاق یکی از منابع حقوق است. اگرچه در این تحقیق به این نتیجه نزدیک شدیم که قانون اساسی مدرن و رای نظام های اخلاقی رقیب در یک جامعه عمل می کند و هرگز نبایست منعکس کننده یک گرایش اخلاقی خاص یا مروج یک نظام اخلاقی در میان نظام های موجود باشد، اما این بدان معنا نیست که منکر تأثیرگذاری نرم های اخلاقی بر اصول قانون اساسی باشیم. لذا اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با قواعد اخلاقی همپوشانی داشته اند را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده ایم. این اصول را به طور کلی می توان در سه سطح ذیل مورد بررسی قرار داد: ۱- حاکمیت مردم ۲- حاکمیت قانون ۳- تضمینات حقوق بشری

واژگان کلیدی: قانون اساسی، دولت، هنجارسیاسی، اصول اخلاقی.

پیامد های انقلاب اسلامی ایران بر کشور یمن با تأکید بر جنبش انصارالله

محمد ناصر طاهری زاده

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
nasertaheri72@gmail.com

علیرضا رضایی

دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
ir.alirezarezaei@gmail.com

جواد گیاه شناس

استادیار علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
j.giahshenas@gmail.com

وقوع انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه باعث دمیدن روح تازه در کالبد بی جان و خروج از انزوا و سکون در برخی کشور های این منطقه شد که انرژی آزاد شده از آن موتور محرکه جنبش ها و جریان های اسلام گرا و دین خواه در داخل کشور های مختلف در قالب بیداری اسلامی بود که الگو برداری از مبانی و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران را برای دستیابی به حقوق خود (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) و قطع دخالت های منطقه ای و جهانی در امور داخلی خود را در ایجاد حکومتی بر مبنای فرامین الهی و شریعت اسلامی را پیگیری و خواستار شوند. این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که انقلاب اسلامی ایران در کشور یمن بالاخص جنبش انصارالله چه تاثیراتی را در راستای دستیابی به اهداف و آرمانهای آن داشته است؟ یافته های این پژوهش بر آن است که با توجه به تشابه عواملی چون استبداد و بی عدالتی در سطح داخلی و همچنین دخالت های منطقه ای و فرامنطقه ای در امور سیاسی و امنیتی در سطح ملی کشور یمن با شرایط قبل از وقوع انقلاب اسلامی و تأکید بر این مهم که با پیگیری صدور انقلاب اسلامی به کشورهای مختلف توسط جمهوری اسلامی ایران باعث الگو برداری جنبش انصارالله یمن از انقلاب اسلامی ایران شده است، جنبش انصارالله به شدت تحت تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی می باشد. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی با رویکرد مقایسه ای با استفاده از منابع کتابخانه ای میباشد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی، جنبش الحوثی، خاورمیانه، صدور انقلاب، عربستان سعودی.

جایگاه فقهی مجمع تشخیص مصلحت نظام در حکومت اسلامی

سیده فاطمه طباطبائی

استادیار دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

fatabatabaee@uk.ac.ir

مهديه يوسفی فر

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

mahdie.yoosefifar@gmail.com

مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از نهادهای مهم حکومت اسلامی است که شبهات فراوان و قلت تحقیقات پیرامون آن، ضرورت پژوهشی هرچند مختصر را در رابطه با این نهاد دوچندان می نماید. از این رو، این تحقیق با هدف تبیین جایگاه فقهی مجمع تشخیص مصلحت و کارآمدی آن، با روش توصیفی-تحلیلی گامی در زمینه بررسی ماهیت حکم حکومتی، شناخت مجمع، مبانی، وظایف و ساختارهای آن برداشته است. نتایج حاصل گویای این است که حاکم اسلامی بر طبق مصالح جامعه حکم حکومتی را صادر می کند و این احکام قسمی مستقل از احکام شرعی اولیه و ثانویه می باشند؛ بنابراین مصوبات مجمع که در حل معضلات نظام و تعیین سیاست های کلی نظام با مشاوره با مقام معظم رهبری انجام می شود، جزو احکام حکومتی به شمار می رود و از اعتبار شرعی بر خوردار است و مخالفت با این احکام عقوبت را در پی دارد. مدت زمان مصوبات مجمع تا زمانی است که موضوع و شرایط آن باقیست و از آنجا که ولایت مطلقه فقیه مورد پذیرش بیشتر فقهای شیعه می باشد، مجمع هم در رابطه با مصوباتی که با مشاوره با رهبری صادر می کند، حق قانونگذاری داشته و می تواند در صورت تزامم احکام شرعی با احکام حکومتی، احکام حکومتی را بر احکام شرعی مقدم بدارد و فراتر از احکام شرعی و اصول قانون اساسی، حکمی را بر اساس مصلحت جامعه اسلامی به طور موقت صادر نماید.

واژگان کلیدی: مصلحت، حکم حکومتی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

گستره اسلام‌گرایی و تحول خرده‌گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران (بر اساس مدل پیوستگی روزنا)

رضا عابدی گناباد

دکتری سیاستگذاری فرهنگی، دانشگاه بین‌المللی امام رضاع) مشهد و مدرس دانشگاه.

فاطمه میری کلاه‌کج

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه دانشور محمدزادگان

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول)

رقیه سادات حسینی کرمان

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شاهد شکل‌گیری نوعی شیفت پارادایم و یا شیفت‌گفتمان بودیم. نظام جمهوری اسلامی ایران که جانشین نظام پهلوی شده بود عملاً گفتمان، رفتار و کارکردی دیگر را در سیاست داخلی و سیاست خارجی خود طرح و نمایندگی کرد. گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام سیاسی فقهاتی، بنابر ماهیت و هویت گفتمان‌ها، در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شده و در دوران‌های مختلف بر سیما و مشرب‌ی متفاوتی در درون دولت‌ها تجلی یافت. از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تا حال حاضر، شش خرده‌گفتمان ملی‌گرایی لیبرال (سال‌های ۱۳۶۰- تا ۱۳۵۷)، آرمان‌گرایی ارزش‌محور یا امت‌محور (۱۳۶۸- ۱۳۶۰)، عمل‌گرایی اقتصادی مصلحت‌محور (۱۳۷۶- ۱۳۶۸)، عمل‌گرایی سیاسی - فرهنگی (۱۳۸۴- ۱۳۷۶)، اصول‌گرایی عدالت‌محور (۱۳۹۲- ۱۳۸۴) و تعامل‌سازنده با جهان در چارچوب دولت توسعه‌گرا (۱۳۹۲ تا کنون) مطرح شده‌اند. اگرچه اسلام‌گرایی در تمامی خرده‌گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب نقش مهمی دارد اما دامنه و گستره آن یعنی نگاه حداکثری یا حداقلی به اسلام‌گرایی علت اصلی تفاوت‌ها و تعارض خرده‌گفتمان‌های سیاست خارجی ایران گردیده‌است. با توجه به این عامل، تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را دو طیف تشکیل می‌دهد. یک گروه با تمرکز بر مسائل داخلی بیشتر به تأمین منافع ملی متمایل هستند و از ایدئولوژی و منافع فراملی فاصله می‌گیرند و گروه دیگر بنا به ماهیت ایدئولوژیک نظام به منافع فراملی و مصالح اسلامی توجه ویژه‌ای دارند. نویسندگان در این نوشتار براساس «مدل پیوستگی جیمز روزنا» پنج متغیر فردی، نقش، حکومت، محیط اجتماعی و محیط بین‌الملل را در تعیین گستره اسلام‌گرایی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن تغییر و تحول گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی بررسی می‌نمایند. بنظر میرسد خصوصیات فردی نخبگان و شاخص‌های عمومی نظام بین‌الملل بیشترین تأثیر را در تعیین گستره اسلام‌گرایی و گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران دارد.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی، گفتمان، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، مدل روزنا.

انقلاب، دولت جمهوری اسلامی و تحول در فقه سیاسی

بشری عبدخدایی

دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

bshabd70@gmail.com

دکتر محمدتقی فخلعی (نویسنده مسئول)

استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

fakhlai@um.ac.ir

دکتر محمدتقی قبولی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

ghabooli@um.ac.ir

پیروزی انقلاب و شکل‌گیری دولت جمهوری اسلامی بر گستره انتظار بشر از اسلام افزود. به طوری که ایده تشکیل حکومت دینی در سطح ملی و فراملی تأثیر قابل توجهی بر عرصه‌های گوناگون از جمله دانش الهیات و بویژه فقه نهاد به گونه‌ای که فقه سیاسی به عنوان شاخه‌ای از فقه شیعه که قرن‌ها به طور پراکنده و ذیل مباحث جزئی مطرح می‌شد، انسجام ویژه یافته و روز به روز منابع آن افزایش می‌یابد. طرح مباحث متعددی چون تمایزات فقه و فقه سیاسی، نگاه پارادایمی به فقه سیاسی، نگرش‌های حداقلی و حداکثری، مبانی مشروعیت نظام اسلامی، نقش عرف و مردم در نظام سیاسی، حاکمیت و رهبری، نظام‌سازی در فقه سیاسی، تحقق اهداف سیاسی اسلام و ... از جمله موضوعاتی است که در پی وجود چالش‌ها و معضلات، پیش روی فقه سیاسی قرار گرفته‌است. در این راستا نوشتار حاضر تحول فقه سیاسی را در پرتو انقلاب اسلامی واکاوی و تحت سه عنوان موضوع شناسی، منبع شناسی و آسیب شناسی فقه سیاسی مطرح کرده‌است. روش تحقیق تحلیلی - توصیفی بوده و از منابعی که فقه پژوهان در زمینه فقه سیاسی نگاشته‌اند، استفاده شده است. باید گفت بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی ضمن امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر، مهم‌ترین دغدغه محققان فقه سیاسی است که این دانش را دستخوش تحولات متعدد کرده‌است.

واژگان کلیدی: فقه سیاسی، انقلاب، دولت، جمهوری اسلامی، امام خمینی.

ظرفیت سنجی ساختارهای دموکراتیک در حکومت جمهوری اسلامی

محمد عثمانی

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

Mo.osmani56@mail.ac.um.ir

جمهوری اسلامی ایران چهار دهه از زمان تاسیس را پشت سر گذاشته است. در این چهار دهه، فرصت آزمون و خطای ساختاری و تعدیل در قانون اساسی خود را هم طی کرده است. لذا می‌توان دوران حال حاضر آن را عصر استقرار و نهادینگی خواند. ساختارها برای این که بتوانند در جامعه به ثبات برسانند باید از ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی جا به جایی مسالمت‌آمیز قدرت بهرمنند باشند. با این چشم انداز سوال مطرح در این مقاله این است که بدون توجه به پشتوانه‌های نظری و ایدئولوژیک، ساختار جمهوری اسلامی ظرفیت‌های دموکراتیک برای جابه جایی مسالمت‌آمیز را دارد؟ فرضیه مطرح در پاسخ به این سوال این است که ساختار حکومتی جمهوری اسلامی از نهادهای دموکراتیک برای جابه جایی قدرت بهرمنند است؛ اما به دلیل وجود سدهای فیلترینگ افراد برای کسب قدرت، این ظرفیت‌های نهادینگی را به شبه دموکراسی یا دموکراسی هدایت شونده تبدیل ساخته است. در این مقاله از چشم انداز تقدم دموکراسی بر فلسفه ریچارد رورتی برای بررسی این ظرفیت‌های ساختار دموکراتیک استفاده می‌کنیم.

واژگان کلیدی: دولت، دموکراسی، جمهوری اسلامی، انتخابات، قانون اساسی.

آزمون نظریه دولت رانتیه با دولت پس از انقلاب اسلامی در ایران

عباس کشاورز شکری

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

Keshavarz@ac.ir

قدسی علیزاده سیلاب

دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

gh.Alizadeh88@yahoo.com

هدف این مقاله بررسی ویژگی های دولت رانتیه با دولت ایران پس از انقلاب اسلامی است. سوال آن است که آیا دولت پس از انقلاب اسلامی باز هم به مانند دولت قبل از انقلاب ویژگی های دولت رانتیه را داراست و اگر دارد فرق آن با ویژگی های دولت رانتی قبل از انقلاب در چیست. برای پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش های کیفی است استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و پایان نامه ها و اسناد بررسی شده است. به همین منظور ابتدا نظریه دولت رانتیه (تحصیلدار) بررسی و سپس دولت جمهوری اسلامی در قالب نظریه دولت رانتیه مورد ارزیابی قرار گرفته و وجه تشابه و تفاوت آن با دولت پهلوی از این حیث مورد بررسی قرار می گیرد. یافته تحقیق آن است که اگر چه هنوز برخی خصلت های رانتیه بودن در دولت پس از انقلاب اسلامی مشاهده می شود ولی این دولت دارای برخی تفاوت ها با دولت های رانتیه نیز هست که عبارتند از عدم جدایی دولت از جامعه؛ استقلال همه جانبه به عبارتی عدم وابستگی به قدرت های خارجی و همچنین استفاده از وام های داخلی و عدم دریافت وام خارجی؛ صدور انقلاب و حمایت از ملت های مسلمان.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، ایران، دولت رانتیه.

بررسی سیاست خارجی اصولگرا در جمهوری اسلامی ایران - با تاکید بر کشورهای خاورمیانه

عطا عنبرانی

atanbarani@gmail.com

محمد حسن زاده

Hasanzade3925@gmail.com

با استقرار نظام جمهوری اسلامی، این امید در فعالان جنبشهای اسلامی به وجود آمد که پس از چهارده قرن اسلام دوباره جایگاه خود را باز یافته است و می تواند به عنوان راهنمای تصمیمات بشری در عرصه سیاست نقش خود را ایفا کند. از این رو بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی بر اساس اصول و مبانی شریعت دین اسلام پی ریزی و حکومت جمهوری اسلامی بعد از سال ۱۳۵۷ در ایران بنیانگذاری شد. بدین ترتیب از جنبه نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در راستای قانون اساسی آن بر گرفته از اصول و مبانی شریعت اسلامی می باشد. بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که از مبانی اصول گرایی اسلامی تأثیر پذیرفته است. پژوهش حاضر در پی ارزیابی این مسئله است که تا چه اندازه اصول گرایی اسلامی در عمل تحقق پذیرفته و این سنخ از اصول گرایی در سیاست خارجی دولت های جمهوری اسلامی ایران چه نقشی ایفا کرده است. و این اصل چه اثراتی بر سیاست خارجی داشته است. با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی این نتیجه حاصل شده است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تغییراتی در خط مشی اصول گرایی در طی زمان صورت گرفته است که این تغییرات به واسطه فشارهای نظام بین الملل بر جمهوری اسلامی بوده است. اگرچه این تغییرات بر خلاف قانون اساسی نیست بلکه به دامنه تفسیر و نگاه به اصول بازمی گردد.

واژگان کلیدی: دولت جمهوری اسلامی، اصول گرایی، سیاست خارجی، دعوت به توحید، جهان اسلام، ایدئولوژی، منافع ملی.

حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی

پژمان غفوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ghafooripejman@gmail.com

علی رسولنیا

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی کامپیوتر گرایش نرم‌افزار دانشگاه غیر دولتی دانشوران، تبریز، ایران

ali.rasoolnia@gmail.com

عبدالرضا نواپور

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

navapoorabdolreza@gmail.com

داود عباسی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

dawood.abbasi@gmail.com

موضوع حقوق اساسی حکمرانی و قواعد حاکم بر آن، تعریف و تامین آزادی‌ها، حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی شهروندان و نهادهای اجتماعی و نیز تبیین و تضمین حدود اختیارات و تکالیف حاکمیت در چهارچوب ایدئولوژی حاکم است و این رویکرد در قالب ایدئولوژی حاکم بر جامعه با محور قرار گرفتن اصالت فرد و یا جامعه به همراه نوع اقتصاد و فرهنگ در پی ریزی قانون اساسی هر دولت و ملتی خود را نشان می‌دهد. آنچه در این میان از اهمیت وافری برخوردار است نحوه تقابل و تعامل حاکمیت با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است که در این تحقیق تاکید بر نحوه تامین فوق و آزادی‌های فردی است که خود را در قالب تبادل آزادانه اطلاعات، آزادی اندیشه، آزادی بیان، حقوق اقلیت‌ها و دیگر مواردی مانند حق انتخاب شغل، مسکن، همسر و غیره خود را نشان می‌دهد. در اصل دوم قانون اساسی عنوان شده است که جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداست و اصول ۹، ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی دیگر اصولی هستند که بر آزادی تاکید می‌کنند. در اصل ۹ قانون اساسی آمده است که آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور مصون از تعرض است و هیچ شخص یا گروهی و مقامی مقامی حق ندارد به نام استفاده از یکی از آنها دیگری را محدود کند حتی با وضع قوانین و مقررات. نقطه ابهام آمیز این تحقیق آن است که دولت‌ها میل وافری به تحدید آزادی‌های فردی به نفع حاکمیت دارند و نهادهای اجتماعی که وظیفه باز نگه داشتن جامعه را بر عهده دارند در معرض محدودیت‌های گوناگونی قرار می‌گیرند و عموماً دیده می‌شود که دولت‌ها برای تثبیت و توسعه خود رفتار مضیقی نسبت به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی نشان می‌دهند و با توجه به اینکه حقوق و آزادی‌های فردی محور هر نوع آزادی و حقی است بیشتر در معرض تحدید قرار می‌گیرد. این تحقیق سعی دارد حدود حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را، به همراه محدودیت‌های اعمال شده و دلایل مربوطه مورد ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: حاکمیت، آزادی فردی، دولت، تحدید، حقوق اساسی.

بررسی رابطه بین سیاستهای مالی و پولی با تاکید بر استقلال بانک مرکزی در ایران

مهدی فاطمی

دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل

fatemi042@yahoo.com

عالیه حسینی

دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی

استقلال بانک مرکزی به معنای جدایی سیاستهای پولی از سیاستهای مالی در نظام اقتصادی کشور است که بانک مرکزی را از حوزه تسلط مطلق دولت رها می کند. یکی از مسائل مهمی که در دهه های اخیر موضوع بحث بسیاری از اقتصاد دانان در کشورهای مختلف بوده و در تدوین قوانین پولی و بانکی برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است بانک مرکزی و ارتباط آن با دولت می باشد. امروزه استقلال بانک مرکزی به عنوان پیش نیاز اجرای سیاست های پولی به منظور دستیابی به ثبات قیمت ها و رشد اقتصادی در بلندمدت امری پذیرفته شده است. استقلال بانک مرکزی اسم رمز جدایی سیاست های پولی از سیاست های مالی در نظام اقتصادی هر کشور به شمار می رود. استقلال بانک مرکزی بر کنترل قیمت ها، کاهش کسری بودجه، ثبات اقتصادی و بهبود عملکرد اقتصاد کلان تاثیر دارد. هدف این تحقیق بررسی رابطه بین سیاست مالی و پولی با توجه به استقلال بانک مرکزی می باشد. برای بررسی موضوع از داده های آماری بانک مرکزی و نرم افزار *Eviews* استفاده گردیده است.

واژگان کلیدی: سیاست پولی، استقلال بانک مرکزی، سیاست مالی، پول.

چالش های ارزیابی سیاستگذاری ها در ایران

سمیرا فرخ منش

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی) دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

S_farokhmanesh@yahoo.com

مهدی فرنیان

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی) دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

M_farnian@yahoo.com

برای سیاستگذاری عمومی که رشته ای کاربردی و نسبتاً جدید در ایران به حساب می آید، تعاریف مختلفی ارائه شده است. اما همه این تعاریف بر یک اصل مشترک تاکید دارند که آن عمل دولت یا خودداری از عمل توسط دولت است. در این حوزه، محوری ترین پرسش این است که چگونه یک خط مشی به کارآمدترین شکل ممکن انجام میشود. برای پاسخ به این سوال در حوزه های گوناگون، مدل ها و روش های مختلفی طراحی و شناخته شده است. یکی از پرکاربردترین این مدل ها، مدلی است که سیاستگذاری عمومی را یک فرآیند چند مرحله ای میداند که طراحی اولیه و شناخت مشکل، نقطه آغازین آن و خاتمه یا ادامه پروسه، مرحله پایانی آن است. در این میان تعیین رویکردها، اجراء ارزیابی و تغییرات، اجزای دیگر پروسه را تشکیل میدهند. یک سیاستگذاری کارآمد شامل پروسه ای است که تمامی این مراحل در آن مورد بررسی قرار بگیرد. مرحله ارزیابی در فرآیند سیاستگذاری یکی از مهمترین مراحل است که میتواند میزان تحقق اهداف، درست یا خطا بودن مسیر فرآیند، کیفیت اجرا و چگونگی بقیه مراحل را نشان دهد. به عبارت دیگر میزان اثربخشی یک سیاستگذاری و اینکه آیا ادامه آن لازم است یا خیر، در مرحله ارزیابی تعیین میگردد. بنابراین ارزیابی یک خط مشی میتواند موجب خاتمه آن نیز بشود و همین امر بر حساسیت این مرحله می افزاید. اما ارزیابی درست یک سیاستگذاری امر ساده ای نیست و با چالش های متعددی روبروست. این چالش ها میتوانند آگاهانه صورت بگیرند و موانعی باشند که سیاستگذاران موجبات آن را فراهم کنند و یا به شکل سهوی و غیرارادی بر سر راه یک ارزیابی قرار بگیرند. در نوشتار حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی تلاش بر آن است تا چالش های موجود بر سر راه ارزیابی سیاست ها و تصمیم سازی ها در ایران مورد بررسی قرار بگیرد. بر همین اساس فرضیه مورد نظر به این صورت شکل میگیرد که "چالش های ارزیابی با ناکارآمدی سیاستگذاری ها رابطه مستقیم دارد." یعنی حتی اگر مفروض را تعیین درست مسایل، شناخت نیازها یا اجرای دقیق سیاست ها در نظر بگیریم، در صورت ارزیابی نادرست، فرآیند خط مشی گذاری یا با شکست مواجه خواهد شد یا ما را به نتیجه کارآمدی که برطرف کننده معضل مورد نظر است، نمی رساند. در نتیجه چالش های موجود بر سر راه ارزیابی ها مهمترین موانع تحقق یک سیاستگذاری مناسب و مورد نیاز به شمار میرود. در مقاله پیش رو که از مدل مرحله ای جونز استفاده میکند، ابتدا مفهوم و نقش ارزیابی در سیاستگذاری ها تعریف شده و سپس موانع موجود بر سر ارزیابی های سیاستگذاری در ایران توصیف و تحلیل میگردد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، سیاستگذاری، مدل مرحله ای جونز.

نقش نخبگان در سیاست گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران

حسین فرزانه پور

استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

hfarzanepour@birjand.ac.ir

رضا خسروی اسفزار

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

rezakhosraviesfezar@gmail.com

دستگاه اداری دولت به عنوان قاعده هرم قوه اجرایی در برگزیده صاحب منصبان و کار گزاران سیاست های دولتی است. این دستگاه کار ویژه های عمومی دولت را ایفا می کند و آشکار ترین چهره دولت یعنی چهره عمومی آن را تشکیل می دهد. در مورد دولت های مدرن اغلب گفته می شود که دستگاه اداری آنها عقلانی شده و ملاک استخدام در آنها نه حسب و نسب و روابط خویشاوندی و نه عقیده و ارادت بلکه شایستگی و کارشناسی و به عبارتی نخبگی است. از همین روست که امروزه نخبگان نقش مهمی در تحولات کشورها در ابعاد مختلف بویژه در فرآیند سیاست گذاری عمومی ایفا می نمایند. تاریخ نشان می دهد که هر مملکتی در جهت پیشرفت یا سقوط به سیاست گذاری نخبگان سیاسی خود وابسته است و اندیشه این افراد در جهت تحقق خواسته های مردم به میزان قابل توجهی تعیین کننده و سرنوشت ساز است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نمونه بی بدیل از نظامهای سیاسی مدرن از این قاعده مستثنی نمی باشد. بدین منظور در این مقاله به بررسی نقش نخبگان و کارکرد آن ها در سیاست گذاری دولت های مختلف در ایران بعد از انقلاب وهم چنین کارکرد برخی از نهادهای سیاست گذار در ایران پرداخته شده است. و با بهره گیری از نظریه نخبه گرایی پاره تو، نقاط قوت و ضعف روند سیاست گذاری عمومی در نظام اداری ایران بررسی گردیده است.

چنین به نظر می رسد که راهکارهایی همچون گردش نخبگان و جابجایی در قدرت زمینه ساز عقلانی شدن فرایند تصمیم سازی و در نتیجه بهبود نظام اداری و روند سیاستگذاری عمومی در کشور می گردد. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: سیاست گذاری عمومی، نخبگان، جمهوری اسلامی ایران، نظام سیاسی، نظام اداری.

تاثیر ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مدیریت بحران پسا برجام

محمد رضا فولادی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه تهران

refolution@gmail.com

امکانات و محدودیت های سیاست ورزی ایران در نظام بین المللی در برآیندی از "نقش محیط منطقه ای و بین المللی و به ویژه سیاست قدرت های بزرگ بین المللی" در تعامل با "ظرفیت ها و استعدادها درونی ایفای نقش حکومت ایران به عنوان یک بازیگر بین المللی" شکل می گیرد. سیاست خارجی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ استعدادها و ظرفیت های گسترده ای جهت زیست بحرانی از خود بروز داده و از ابتدا هر مسئله اساسی در سیاست خارجی کشور به بحرانی گسترده با تبعات و شاخ و برگ های متعدد تبدیل شده است. بحران هسته ای در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یکی از شدیدترین التهابات در مناسبات خارجی کشور بوده و اثرات داخلی عمیق به ویژه در حوزه اقتصاد بر جای گذاشته و می گذارد. توافق برجام راه حلی موقت برای عبور از بن بست های خارجی و داخلی برآمده از بحران هسته ای بود. اما با گذشت زمان و بروز شکاف و اختلاف بین المللی پیرامون توافق برجام و اثرات آن، خروج آمریکا از برجام و شروع مجدد تحریم ها علیه ایران؛ التهابات خارجی و داخلی برآمده از وضعیت پیشا برجامی بار دیگر گریبان گیر ایران شد. در مواجهه با شرایط پسا برجامی در سیاست خارجی ایران، بار دیگر متاثر از استعدادها و ظرفیت های بحران سازی ساختار سیاست خارجی کشور، فرآیند مدیریت بحران دچار چالش های گسترده ای شده است. شاکله های بحران سازی ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شش عامل اساسی "خلا هدف گذاری در سیاست خارجی بر مبنای معیارهای جهان معاصر"، "عدم تبیین و تشخیص منافع ملی نزد راهبران سیاست خارجی"، "وجود خروجی و برون دادهای متعدد و غیر هم پوشان در دستگاه سیاست خارجی"، "شاکله فکری، تجربی و عملی بدنه نهادهای اصلی حوزه سیاست خارجی کشور"، "تبدیل شدن سیاست خارجی به تابعی از رقابت های قدرت داخلی" و "تقابل سنتی با نظم جهانی" می باشند. آن چه در فضای پسا برجامی فرآیند مدیریت بحران در سیاست خارجی را با چالش های متعدد و ناکارآمدی مواجه نموده است به شکل وسیعی متاثر از شش شاکله بحران ساز سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی می باشد. دستگاه سیاست خارجی ایران در مواجهه با توافق برجام به صورت بندی های خیالی و رویایی روی آورد که در دو راهبرد غیر هم پوشان "افزایش نفوذ و تسلط منطقه ای در تقابل با نظم جهانی" و "گسترش تعامل سیاسی و اقتصادی با نظام جهانی بدون تجدید نظر در ساختار سیاست خارجی کشور" ظاهر گردید. سیر اتفاقات و نتایج عملی راهبردهای مذکور، در عمل نتوانست از آغاز فرآیند زوال برجام جلوگیری نماید. به همین ترتیب هر دو راهبرد مذکور بدون تغییر شاکله های بحران ساز و ساختاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ در مواجهه با روند فرسایش سریع برجام نمی توانند به مدیریت موفق بحران کمکی کنند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ج.ا.ا، ساختار بحران ساز، راهبردهای رویایی، پسا برجام، زوال برجام.

نسبت امنیت اجتماعی با فضای مجازی، مطالعه موردی: گرایش مردم به برخی کانال‌های شبکه اجتماعی مجازی تلگرام

مرتضی قورچی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

mghourchi@gmail.com

جواد کاویانی‌راد

دانش آموخته کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

j.kavyani61@yahoo.com

امنیت در جایگاه ضروری‌ترین نیازهای جامعه ناظر بر فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است. طی یک دهه اخیر تحولات مرتبط با حوزه فناوری اطلاعات در حوزه مطالعات امنیت اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. یافته‌های گویای آن هستند که ماهیت اینترنت و محیط امنیتی و راهبردی متأثر از آن، به گونه‌ای است که در کنار فرصت‌های فراوان، قابلیت تهدیدزایی و ناامنی نیز دارد. در میان شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام در کشور ما مورد اقبال بیشتری بوده‌اند و جمعیت چند ده میلیونی از کشور در آن عضو دارند و از اخبار و تحلیل‌های آن اثر می‌پذیرند. این اثرپذیری توان فرصت آفرینی و تهدیدزایی را توأمان دارد. این در حالی است که رویکرد غالب حاکمیتی در ایران عمدتاً نگاهی سلبی و تهدید محور به شبکه‌های فضای مجازی داشته است. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که شبکه اجتماعی فضای مجازی یاد شده در ایران در پیوند با امنیت اجتماعی کارکردی دوگانه دارند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش شناسی حاکم بر متن ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. نتایج تحقیق نشان داد ضعف دسترسی آزاد به اطلاعات، ضعف اطلاع رسانی صحیح اخبار داخلی و خارجی در رسانه‌های داخلی، کاهش اعتماد بین مردم و مسئولان و ... در گرایش مردم به شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی نقش جدی داشته است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، رسانه‌های داخلی ایران، تلگرام.

تبیین نقش سرمایه اجتماعی بر میزان بیگانگی سیاسی شهروندان در دولت جمهوری اسلامی

علیرضا کریمیان

استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

karimian.alireza@yahoo.com

سیده معصومه غفوری کله

دکترای جامعه شناسی، مدرس دانشگاه

ghafouri.masoomeh@gmail.com

یکی از مسائل اساسی در ثبات سیاسی و اقتدار دولت جمهوری اسلامی، میزان وفاق سیاسی و عدم احساس بیگانگی سیاسی شهروندان است. چنانچه شهروندان احساس جدایی، عدم ارتباط و یا احساس خصومت بارز با نظام سیاسی داشته باشند، در عدم موفقیت دولت نسبت به اهداف خویش و در نتیجه بی ثباتی سیاسی تاثیرگذار است. در میزان احساس بیگانگی سیاسی شهروندان جامعه عوامل مختلفی در سطوح خرد و کلان می تواند موثر باشد که از جمله می توان به نقش سرمایه اجتماعی اشاره نمود. سرمایه اجتماعی با مولفه هایی همچون اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی می تواند در پیوند شهروندان یک جامعه، به دولت و نظام سیاسی و در نتیجه عملکرد مطلوب هیات حاکمه آن نظام نقش موثری داشته باشد. از اینرو هدف مقاله حاضر بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با بیگانگی سیاسی است که با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه جهت گردآوری داده ها انجام شده است. جامعه آماری آن شامل شهروندان شهر تهران می باشد که از این جامعه ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. در این پژوهش بیگانگی سیاسی با استفاده از مقیاس شوارتز و سرمایه اجتماعی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و در سه بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی سنجیده شده اند. نتایج تحقیق نشان داد که در میان مولفه های سرمایه اجتماعی میانگین اعتماد اجتماعی کمتر از سایر مولفه ها می باشد. میانگین بیگانگی سیاسی جامعه نمونه ۱/۸ به دست آمده است. بین سرمایه اجتماعی و بیگانگی سیاسی در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون همبستگی معنی دار و معکوس وجود داشته است. به عبارتی با افزایش سرمایه اجتماعی میزان بیگانگی سیاسی شهروندان کاهش می یابد. بر اساس یافته ها در میان مولفه های سرمایه اجتماعی، مولفه اعتماد اجتماعی بیشترین همبستگی را با بیگانگی سیاسی شهروندان نشان داده است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، بیگانگی سیاسی.

اقتصاد سیاسی توسعه: بررسی سیاست های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی از منظر اقتصاد سیاسی

فرزاد کلاته

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

farzad.kalateh@gmail.com

اقتصادسیاسی، به عنوان رهیافتی میان رشته ای، به تاثیرات متقابل اقتصاد (بازار) و سیاست (دولت) می پردازد. البته هرچند، اقتصادسیاسی، مبتنی بر یک رابطه دوسویه است، ولی در این مقاله نگارنده فقط یک سوی این رابطه (تاثیر اقتصاد بر سیاست) را لحاظ و مورد بررسی قرار داده است. در همین راستا، نگارنده در این پژوهش با روش توصیفی و تبیینی، و از طریق گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای، با محوریت این پرسش که اقدامات اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی چه تاثیری بر ساختار سیاسی به همراه داشته است؟ ابتدا مهم ترین اقدامات دولت هاشمی رفسنجانی، و سپس پیامدهای سیاسی اقدامات اقتصادی مذکور را مورد بررسی قرار داده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که اقدامات اقتصادی دولت، علاوه بر پیامدهای سیاسی هم چون: تغییر ماهیت و پایگاه اجتماعی دولت، ایجاد دولت اقتدارگرای بوروکراتیک، آزاد سازی سیاسی، ایجاد حزب کارگزاران سازندگی، افزایش طبقه متوسط جدید (که در واقع محصول پژوهش های پیشین است)، پیامد سیاسی دیگری تحت عنوان "تضعیف حقانیت سیاسی و افزایش وجوه اجبار دولت" به همراه داشته است. به بیان بهتر، اقدامات اقتصادی دولت، تحت عنوان "تعدیل اقتصادی" و مبتنی بر خصوصی (اختصاصی) سازی، و رشد اقتصادی، به مرور منجر به گسترش کمی و کیفی طبقه متوسط جدید و متعاقب آن، منجر به ایجاد و افزایش مطالبات سیاسی (مشارکت در سیاست) شده است؛ ولی، از سوی دیگر، عدم توان نظام سیاسی در برآوردن مطالبات، منتهی به شکل گیری اعتراضات سیاسی و برخورد قهری دولت با آن، شده؛ و در نهایت باعث تغییر در وجوه دولت شده است. در انتها، در مقام آسیب شناسی، به نظر می رسد مبانی حقوقی (قانون اساسی) شکل دهنده مناسبات قدرت سیاسی، باعث اختلال در فرایند توسعه ایران شده که حذف این موانع، نقش مهمی در تقویت و تداوم توسعه ایران دارد.

واژگان کلیدی: اقتصادسیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، قدرت سیاسی، جمهوری اسلامی

روش شناخت ایدئولوژی دولت جمهوری اسلامی ایران (بررسی رویکردهای مختلف به مفهوم ایدئولوژی با تأکید بر رویکرد سیاسی و تحلیل کاربردهای آن)

فاطمه کمیلی

fkomeili@gmail.com

هدف اصلی در این مقاله، شناسایی روش شناخت یا استخراج مصادیق ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف است تا از این طریق، این امکان برای پژوهشگران فراهم شود تا بخش‌هایی که این مصادیق با چالش بیشتری مواجه هستند و بیشتر محل بحث واقع می‌شوند را از سایر بخش‌ها که بطور کلی اعتراض یا نارضایتی نسبت به آن‌ها در سطح نازلی است، جدا سازند و با علت یابی این چالش‌ها، راه‌هایی را برای حفظ و عدم فرسایش کل این ایدئولوژی در طول زمان ارائه دهند. در این راستا لازم است در ابتدا بهترین تعبیر علمی که قادر است در شناسایی ایدئولوژی دولت جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مفید واقع شود، ارائه گردد. به عبارت دیگر لازم است قبل از آنکه مبحث شناسایی ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران مطرح شود، منظور از ایدئولوژی در این مطلب و چرایی انتخاب تعبیر مستفاد، مشخص گردد. برای نیل به این منظور، به مفهوم ایدئولوژی و تاریخچه‌ی شکل‌گیری رویکردهای مختلف در قبال آن پرداخته شده است؛ اما تأکید اصلی آن بر پنج تعبیر مختلفی است که سوی اندیشمندان از این مفهوم در قالب رویکرد سیاسی، ارائه شده است. این پنج تعبیر عبارتند از: ایدئولوژی به مثابه آگاهی کاذب و محصول طبقه مسلط، ایدئولوژی به مثابه ابزار دستیابی به منافع طبقاتی، ایدئولوژی به مثابه امری بلاکارکرد و منسوخ، و ایدئولوژی به مثابه ابزار اثبات حقانیت و مشروعیت بخشی به حکومت. نقد و بررسی تعبیر مذکور نشان می‌دهد که تعبیر آخر، قادر به توضیح و تبیین مناسب ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. بعد از آن می‌توان به ارائه روش شناخت یا استخراج مصادیق ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخت به نحوی که بتوان مصادیق اصلی، فرعی و در حال اضمحلال را از هم تفکیک نمود.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، رویکرد سیاسی، کاربردهای ایدئولوژی، جمهوری اسلامی ایران.

مدیریت رویکرد متوازن سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز

ولی کوزه گر کالجه

پژوهشگر ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز - کارشناس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

Vali.kaleji@gmail.com

از مهم‌ترین ملاحظات در حفظ و تقویت رویکرد متوازن ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، «مدیریت رویکرد متوازن در عرصه دیپلماسی» است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رویکرد متوازن، سفر متقابل مقامات ارشد ایران و کشورهای مناطق یاد شده است که نشان‌دهنده سطح مناسبات دوجانبه و اراده سیاسی رهبران کشورها برای تقویت روابط است. از این منظر اگر به روند سیاست خارجی و مناسبات دیپلماتیک ایران با سه کشور قفقاز جنوبی و پنج کشور آسیای مرکزی نگریسته شود، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که رویکرد تقریباً متوازن ایران در این مناطق از دوران ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی به بعد روند نامتوازن‌تری به خود گرفت و این روند همچنان ادامه دارد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، دو ساختار تحت عنوان «ستاد جمهوری آذربایجان» در وزارت امور خارجه و «ستاد جمهوریهای سابق شوروی» زیر نظر رئیس جمهور وقت (مرحوم آیتالله هاشمی رفسنجانی) تشکیل شد که نوعی هماهنگی نسبی میان دستگاهها و نهادهای مختلف و تاثیرگذار را در آن مقطع به دنبال داشت. با انحلال این دو ستاد در میانه دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی، موضوع ناهمگنی بین دستگاهها و نهادهای مختلف در حوزههای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و دفاعی - امنیتی تبدیل به یکی از مشکلات و چالشهای مهم و پایدار سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تبدیل شد و رویکرد کلان دیپلماتیک ایران در قبال هشت کشور منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با فراز و نشیبهای زیادی مواجه شد و از تعادل نسبی ابتدای دهه ۱۳۷۰ خارج شد. بیشترین چالشها و پیامدهای منفی ناشی از ناهمگنی، موازی کاری و بعضاً مداخلات دستگاهها و نهادهای مختلف در جمهوری تاجیکستان (آسیای مرکزی) و جمهوری آذربایجان (قفقاز جنوبی) ظهور و بروز پیدا کرد؛ یعنی دو کشوری که از بیشترین قرابت فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی با ایران برخوردار هستند. با توجه به کلیه نکات و ملاحظات یاد شده، در این مقاله کوشش میشود ضمن مطالعه و بررسی نحوه مدیریت رویکرد متوازن سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، راهکارهای پیشنهادی و عملیاتی برای برون رفت از وضعیت کنونی ارائه شود.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، وزارت امور خارجه، آسیای مرکزی، قفقاز، رویکرد متوازن.

اختلال نهادی و ناکارآمدی دولت در جمهوری اسلامی ایران

احمد گل محمدی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

Ahmad.golmohamadi@gmail.com

اگر کارآمدی را میزان دستیابی به اهداف معین تعریف کنیم و مهمترین هدف دولت را هم تامین امنیت یا تامین بقای زندگی اجتماعی از طریق تعریف و تضمین قانون (یا قواعد انجام عمل) بدانیم می توان گفت کارآمدی دولت در جمهوری اسلامی ایران همواره کاهش یافته است. امروزه تقریباً همه ایرانیان روزانه شاهد یا عامل قانون شکنی فزاینده در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی هستند و توانایی دولت برای جلوگیری از قانون شکنی به سرعت کاهش می یابد. از دیدگاه نهادگرایانه، سرچشمه این ناکارآمدی فزاینده نوعی اختلال نهادی است که بازتعریف ماهیت و اهمیت دولت در قالب ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران بستر ساز آن بود. بر اساس این تعریف، دولت به عنوان نهاد همه دان و همه توان تعریف شد تا اصالت و استقلال دیگر نهادهای تشکیل دهنده زندگی اجتماعی را نادیده بگیرد و کارویژه های تخصصی آنها را هم عهده دار شود. بنابراین، نهادی که اصولاً می بایست قانون ساز و قانون بان باشد به تولید و توزیع ثروت، علم، فرهنگ و حتی اخلاق هم روی آورد. پس دولت روزبه روز بزرگ تر، پرخرج تر و سنگین تر شد تا توانایی لازم برای جلوگیری از قانون شکنی را هر چه بیشتر از دست بدهد و به ناکارآمدی فزاینده ای گرفتار شود.

چالش‌های فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران

حجت مبین

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول

hojjat.mobayen@gmail.com

موضوع مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات وارده به افراد جامعه، یکی از موضوعات مهم و اساسی در هر نظام حقوقی است. مسئولیت مدنی، تعهد و الزام قانونی به جبران خسارت است و دولت با توجه جایگاه، قدرت و وظائف خود در مقابل افراد جامعه، در موارد مختلفی ممکن است، متعهد به جبران خسارت باشد. این موضوع در فقه امامیه نیز مسبوق به سابقه است و موارد گوناگونی وجود دارد که در آنها حکم به جبران خسارت توسط بیت المال داده شده که معنای دیگر مسئولیت مدنی دولت است. به طور کلی مسئولیت مدنی دولت، در دو حوزه قابل بررسی است که هر یک از این حوزه‌ها نیز با چالش‌های نظری و عملی مختلفی رو به روست: از یک سو در صورتی که دولت در انجام وظایف خود مرتکب تقصیر شود، متعهد به جبران خسارت است؛ هر چند که امروزه بر اساس نظریات «خطر» یا «مسئولیت محض دولت»، دامنه مسئولیت دولت به موارد بدون تقصیر نیز گسترش یافته است. در این حوزه، تعیین مبنای مسئولیت دولت، مفهوم تقصیر دولت و چگونگی احراز آن، تمایز مسئولیت دولت در اعمال حاکمیتی و تصدی، تفکیک بین مسئولیت دولت و مسئولیت کارکنان دولت و نحوه اجرای احکام جبران خسارت علیه دولت، از جمله چالش‌های حقوقی قابل توجه است. از سوی دیگر تحول مفهوم دولت و پیدایش دکترین «دولت رفاه» و «حکمرانی خوب» باعث شد، شهروندان انتظار داشته باشند دولت از آنان در مقابل ورود خسارت حمایت کند و به ویژه در مواردی که امکان جبران خسارت بر اساس نظریات سنتی مسئولیت وجود ندارد، تدابیری برای جبران خسارت از سوی دولت اندیشیده شود. دکترین «دولت رفاه» و «حکمرانی خوب» در کنار مفهوم «عدالت توزیعی» و اصل «تساوی شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی» سبب ایجاد نظریه «رفاه و خیر» یا «تضمین گروهی» در مسئولیت مدنی شد که بر اساس آن، دولت مکلف است علاوه بر تأمین عدالت و امنیت، ضمن استفاده از رویکردهای پیشگیرانه، در صورت ورود خسارت، سازوکارهایی مانند بیمه‌های اجباری مسئولیت، اخذ مالیات از فعالیت‌های زیان‌بار، ایجاد صندوق تأمین خسارات بدنی، تأمین اجتماعی و یا حتی پرداخت از بیت المال را برای جبران خسارت فراهم نماید. در این حوزه نیز در باب حدود و ثغور و شرایط ایجاد مسئولیت دولت، مبنای این مسئولیت و امکان پذیرش آن بر اساس موازین فقهی، همچنان چالش‌های جدی وجود دارد. در مقاله حاضر تلاش شده است تا از دیدگاه حقوقی و فقهی این چالش‌ها بررسی شده و راهکارهایی برای حل آن ارائه گردد.

واژگان کلیدی: دولت، مسئولیت مدنی، عدالت توزیعی، حکمرانی خوب، جبران خسارت.

نقش ساختارهای رسمی و غیررسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

میلاذ محمدیان

Milad.n.mail@gmail.com

در کشورهایی که دارای نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیچیده ای باشند گروه ها، افراد و سازمانهای مختلف ذینفع در عین حال غیر رسمی در مسائل مربوط به اداره کشور و اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست های داخلی و خارجی دخیل و موثر هستند . در چنین نظام هایی معمولاً دو نوع ساختار تصمیم‌گیری مشاهده می‌شود. یکی ساختار رسمی تصمیم‌گیری که در قانون اساسی و قوانین جاری کشور، سازمان ها و مقامات تصمیم‌گیرنده را مشخص ساخته و حدود اختیارات آنها را نیز تعیین کرده است. دوم ساختار غیر رسمی، از قبیل افکار عمومی، احزاب سیاسی، مطبوعات و آنچه را که در اصطلاح سیاسی به گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار، معروف هستند و به خاطر منافع گروهی خود و نفوذ سیاسی اقتصادی و اجتماعی که دارند به طرق مختلف در پروسه تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند و تصمیمات متخذه را تحت تاثیر قرار می‌دهند، به صورتی که تصمیم‌گیرندگان رسمی بدون در نظر گرفتن خواست گروه های مزبور قادر به تصمیم‌گیری آزادانه نیستند.

در این مقاله به ساختارهای غیر رسمی از جمله رسانه ها، افکار عمومی، شخصیت های با نفوذ، گروه های فشار، مراجع تقلید و علمای عظام و نهاد روحانیت، مراکز و نهاد های دینی و فرهنگی و ، بررسی و نقش هر یک ، مطابق با قانون اساسی و عرف جامعه به چالش کشیده شده است.

با بررسی ریشه ای ساختار و روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همچنین نقش ساختار های غیر رسمی دخیل در آن، می‌توان ادعا نمود، این کشور جزو معدود کشورهای دنیا است که از سیاست خارجی مستقل برخوردار می‌باشد و این مرهون نهادهای مستقل دخیل در هدایت سیاست های خارجی جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن مقام معظم رهبری که با هدایت هوشمندانه مسائل سیاست خارجی، همواره چراغ راه بوده اند، است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ساختار رسمی، ساختار غیررسمی.

بررسی تأثیر سیاست های داخلی بر سیاست خارجی دولت خاتمی

زهرا محمودی

z.mahmoodi71@yahoo.com

سیاست خارجی پلی است میان دو حوزه فعالیت های داخلی و بین المللی که هر یک به نحوی بر سیاست خارجی تأثیر می گذارند. یعنی در کنار ساختار نظام بین الملل و ویژگی های آن، عوامل داخلی نیز در شکل دهی به سیاست خارجی نقش مهمی را ایفا می کنند. کشورها به لحاظ تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و ساختار حکومتی متفاوت هستند و این تفاوت ها تأثیر مستقیمی بر جهت گیری های سیاست خارجی آن ها دارد. این پژوهش با مفروض قرار دادن این مسئله که عوامل و متغیرهای داخلی در شکل گیری و حرکت آغازین سیاست خارجی مؤثر هستند؛ با استفاده از روش علی و سطح خرد به بررسی سیاست خارجی در دوران خاتمی می پردازد. خلق و خو و نوع ساختار ذهنی تصمیم گیران و بویژه تاکید خاتمی بر توسعه سیاسی و جامعه مدنی در داخل، و تعدد مراکز نهادهای تصمیم گیری در نظام سیاسی ایران از جمله عوامل داخلی مهمی بودند که اصول تنش زدایی و نظریه گفتگوی تمدن ها از سوی ایشان در عرصه سیاست خارجی را موجب شدند. به طوری که سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ رویکرد فرهنگ محور به خود گرفت و اولویت خود را از توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی معطوف ساخت.

واژگان کلیدی: متغیرهای داخلی، سیاست خارجی، سطح تحلیل خرد، تنش زدایی، گفتگوی تمدن ها.

فرهنگ سیاسی و گستردگی دولت در ایران در دوره جمهوری اسلامی

علی اکبر مختاری

کارشناس ارشد علوم سیاسی

aamokhtari20@gmail.com

با تاسیس جمهوری اسلامی در ایران انتظار می رفت پس از فروپاشی استبداد، با استقرار دموکراسی جامعه ای باز و دولتی حداقلی بوجود آید. ولی روند تحولات پس از انقلاب به گونه ای رقم خورد که ابتدا نظام اقتصادی، یعنی کلیه بنگاهها، بانکها، بازرگانی خارجی، صنایع و کشاورزی دولتی شد سپس با انقلاب فرهنگی، نظام فرهنگ نیز تحت سیطره دولت درآمد. در دهه های بعد با افزایش درآمدهای نفت و خوداتکایی، نه تنها دولت فربه تر و از جامعه مستقل تر شد بلکه با گسترش مسئولیتهای فراملی و فراملی، قیومیت و وابسته کردن جامعه، گستردگی دولت به حداکثر رسیده است.

این پژوهش ادعا دارد اشتیاق به دولتگرایی در دوره جمهوری اسلامی موجب شده ساختار سیاسی بجای کمینه شدن، بیشینه شود و ریشه های این اشتیاق را بعنوان بخشی از فرهنگ سیاسی ایرانیان مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد. بنابراین با توجه به نظریه لوسین پای که بیان می دارد: «ساختار سیاسی با فرهنگ سیاسی ارتباط متقابل داشته و بریکدیگر تأثیرمیگذارند» دولتگرایی و گستردگی دولت پس از انقلاب را از سه مشرب فرهنگ سیاسی ایرانیان، یعنی در مولفه های ایرانی، اسلامی و مدرن مورد بررسی و نتیجه گیری قرار داده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی ایران، فرهنگ سیاسی شیعه، فرهنگ سیاسی مدرن، دولت حداکثری.

دولت، سیاست‌های منافع خاص و مشکل منبع مشاع در نظام تأمین اجتماعی

سید سعید ملک‌الساداتی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

msadati@um.ac.ir

تعمیق امنیت اقتصادی به معنای گسترش چتر حمایتی بر روی افراد جامعه در مواجهه با ناامنی‌های اقتصادی همچون سالخوردگی، بیکاری، بیماری و از کارافتادگی فلسفه اصلی پیدایش نظام تأمین اجتماعی است. ساختار مالی صندوق‌های تأمین اجتماعی مبتنی بر دریافت حق بیمه بازنشستگی از بیمه شدگان، کارفرمایان (سهام کارفرما) و دولت (سهم دولت) و البته سرمایه‌گذاری این منابع در پروژه‌های اقتصادی سودآور با هدف تأمین مصارف است. در ایران نظام تأمین اجتماعی مشتمل بر ۱۸ صندوق است که این صندوق‌ها در مجموع بیش از ۵۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را تحت پوشش خود دارند. با این حال چالش پیش روی نظام تأمین اجتماعی کشور که تبعات آن هم به لحاظ مقیاس و هم از نظر گستره اثرگذاری به طور فزاینده‌ای رو به گسترش است، بروز کسری در منابع صندوق‌ها است. در سال ۱۳۹۵ شکاف نقدینگی سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین صندوق تأمین اجتماعی کشور با بیش از ۴۱ میلیون نفر جمعیت تحت پوشش، نزدیک به ۱۵ درصد مصارف این سازمان بوده است. به بیان دیگر منابع ورودی به این صندوق تنها ۸۵ درصد مصارف آن را کفایت کرده است. این در حالی است که طبق پیش‌بینی‌ها این کسری که در حال حاضر ۹ هزار میلیارد تومان است در سال ۱۴۰۴ به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. اگرچه پدید آمدن این کسری منابع، ریشه در عوامل متعددی همچون عدم ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها، مدیریت نامناسب منابع صندوق‌ها، فساد و ... دارد، این مقاله یکی از مهم‌ترین عوامل موجهه آن را سیاست‌های منافع خاص می‌داند که دولت به اجبار و یا به اختیار بنا به ملاحظات سیاسی دنبال کرده است. در ادبیات اقتصاد سیاسی، سیاست‌های منافع خاص به سیاست‌های اطلاق می‌شود که با تحمیل هزینه به گروه وسیعی از جامعه، منافع متمرکز را نصیب یک گروه خاص می‌کند. از آنجا که معمولاً سازوکارهای الزام‌آوری برای پاسخگو ساختن منتفع شوندگان از این سیاست‌ها در قبال هزینه‌های آن وجود ندارد، به تدریج رقابت غیرمسئولانه برای بهره جستن از فرآیندهای سیاسی به منظور تصویب چنین سیاست‌هایی به قاعده عمومی رفتار گروه‌های دی‌نفع مختلف بدل می‌گردد. در این میان گروه‌های مختلف سیاستمداران یا به اجبار برای آرام ساختن امواج نارضایتی گروه‌های اجتماعی و یا به اختیار برای افزودن بر پایگاه رأی خویش بر این رفتار مخرب دامن می‌زنند. نگاهی به ترکیب بیمه‌شدگان صندوق تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که نزدیک به ۳۰ درصد از ۱۴ میلیون بیمه شده این صندوق، بیمه‌شدگان خاص هستند. بدین معنا که در پرداخت حق بیمه مشمول معافیت‌هایی می‌شوند. گرچه این معافیت‌ها خود طیف گسترده‌ای را دست‌کم از نقطه نظر حق بیمه‌ای که بیمه شده می‌پردازد، شامل می‌شود، ماهیت این معافیت‌ها همواره یکسان بوده و به دلیل عدم برخورداری از جامعیت، نوعی سیاست منافع خاص به شمار می‌آید. شکی نیست که بیمه‌شدگان خاص همچون رانندگان، بافندگان، کارگران ساختمانی، باربران، طلاب، خادمین مساجد، زنبورداران و ... عمدتاً در گروه‌های کم‌درآمد جامعه قرار می‌گیرند، اما سوال مهم این است که آیا افراد کم‌درآمد و ضعیف جامعه تنها به این گروه‌ها محدود می‌شوند یا اینکه چون صدای این گروه‌ها رساتر بوده مشمول چنین معافیت‌هایی شده‌اند؟ سوال مهم‌تر این که آیا دولت باید منابع لازم برای توزیع درآمد میان اقشار ضعیف را از صندوق‌های تأمین اجتماعی یعنی اندوخته گروه‌های دیگر جامعه بردارد یا اینکه به قواعد علم اقتصاد احترام گذاشته و توزیع درآمد را با ابزارهای مناسب توزیع درآمد و بر اساس اصل جامعیت از طریق سیاست‌های با منافع عام‌تر دنبال کند؟ امروزه و در نتیجه سال‌ها سیاست‌گذاری نادرست دولت، صندوق‌های تأمین اجتماعی با مشکل منبع مشاع مواجه شده‌اند. پدیده شومی که حاصل اضافه برداشت از منابع با مالکیت عمومی است. در این میان، آنچه چشم‌انداز این بحران را نگران‌کننده‌تر می‌سازد، از یک سو به رسمیت نشناختن آن توسط سیاستمداران ناآشنا در دولت و مجلس و تکرار رویه ناصواب پیشین و از سوی دیگر اتخاذ سیاست‌های اشتباه توسط سیاستمداران کوتاه‌بین برای مواجهه با آن است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های منافع خاص، مشکل منبع مشاع، تأمین اجتماعی.

نظریه‌ی حکومتی برآمده از بازخوانی مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی

آرش منشی‌زادگان

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه آزاد مشهد

arashmonshi1@gmail.com

انقلاب اسلامی، از آن جهت که تاسیس‌کننده قانون اساسی جدید و نظام سیاسی / حقوقی تازه بود، فصلی متمیز در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. قانون اساسی برآمده از انقلاب اسلامی، زاینده ساختار حکومتی خاص خود شد. نظریه حکومتی نیز، ماهیت و نوع نظام‌های سیاسی را توضیح می‌دهد و در چارچوب آن وجود قوای سه‌گانه، میزان اختیارات آن‌ها و نحوه پیوندشان با یکدیگر، توضیح داده می‌شود. در این نوشتار، به‌منظور شناخت نظریه حکومتی برآمده از انقلاب اسلامی ایران از چارچوب نظری برنارد کریک بهره گرفته شد. برنارد کریک پس از پژوهش درباره انواع گوناگون حکومت‌ها، فهرستی دقیق از پرسش‌ها و مسائل اساسی مربوط به نظریه دولت و حکومت را کشف، رده‌بندی و انتظام بخشیده است. بنابراین، در نوشتار حاضر، با بهره‌گیری از نظریه حکومتی کریک و شاخص‌های آن و با تکیه بر متن قانون اساسی جمهوری اسلامی و متن مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، به تحلیل نظریه حکومتی برآمده از انقلاب اسلامی پرداخته شد. به‌نظر می‌رسد نظریه حکومتی موجود در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی، برگرفته از زمینه‌هایی تاریخی است که در متن مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی بازتاب یافت. نوع پژوهش پیش رو، توصیفی، تاریخی و کیفی است؛ روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و شیوه بررسی متون، تحلیل متن با تکیه بر داده‌ها و درون‌مایه‌های یک مدل پیشینی است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظریه حکومتی، برنارد کریک.

انگاره‌های خودایستایی و فرادستی دولت در برابر جامعه (مطالعه موردی: همانندی‌های دو کتاب ولایت فقیه و نصیحه‌الملوک)

سیدهاشم منیری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌های سیاسی)، دانشگاه فردوسی مشهد

seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

تاریخ ایران آکنده از جنبش‌ها و اندیشه‌های بسیاری است که هر کدام جنبه‌هایی از تمدن، جایگاه، حکومت و دولت‌مداری را بازنمایی کرده و بنا بر سرشت اندیشگانی هر کدام از جریان‌های تاریخی، به مشروعیت‌زایی و مشروعیت‌دهی پرداخته است. دولت به‌عنوان یک کل انتزاعی دائمی که دارای حاکمیت است و باور به انحصار کاربرد قدرت مشروع در آن وجود دارد؛ از گذشته‌های دور تا عصر حاضر حضور داشته و تنها شکل‌های حکومت تغییر کرده است. این تغییرناپذیری مشتمل بر مؤلفه‌هایی فرادستی، (که ممکن است منشاء الهیاتی و یا اسطوره‌ای داشته باشد و یا برساخته‌ای نظری و ساختگی)، به خودایستایی، تداوم و مشروعیت‌زایی آن کمک می‌نماید. این مقاله درصدد است به این پرسش پاسخ گوید که نیت اصلی نویسندگان کتاب ولایت فقیه (امام خمینی) و کتاب نصیحه‌الملوک (امام محمد غزالی) چه بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همانندی‌های مشترک بین این دو اثر در اینکه دولت حاوی منشاء الهیاتی، خودایستایی و فرادستی در برابر مردم است، وجود دارد. این مقاله با استفاده از روش «مقایسه‌ای» و «تحلیل همزمانی» نشان داده است که در هر دو اثر بر ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بر نصب الهی حاکم تأکید می‌شود که پیامد آن قدرتمند شدن و فرادستی دولت در برابر جامعه ایران است.

واژگان کلیدی: دولت، ولایت فقیه، فره‌یزدی، غزالی، امام خمینی.

ابربحران های سه گانه ی درون زاد جمهوری اسلامی

مهدی نجف زاده

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

m.najafzadeh@um.ac.ir

با شکل گیری جمهوری اسلامی، برنامه های توسعه پهلوی دوم مذموم شناخته و دور انداخته شد. رژیم پهلوی بر پایه تخمین های داخلی و خارجی و راهبرد مشخص را همزمان به پیش می برد: کنترل جمعیت ایران به نحوی که سال ۱۹۹۰ به بیش از پنجاه میلیون نرسد و تغییر استراتژی های توسعه از کشاورزی به سمت و سوی صنعتی شدن. بر پایه این دو راهبرد کنترل موالید از اواخر دهه ۴۰ به طور جد در دستور کار قرار گرفت و همزمان برای پیش آب های سرزمینی، کشاورزی صنعتی در شکل محدود مورد توجه واقع شد. با وقوع انقلاب اسلامی هر دو سیاست مورد بازبینی موثر قرار گرفت به نحوی که در بازه یک دوره ده ساله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ در حدود ۱۸ میلیون به جمعیت ایران افزوده شد و همزمان سیاست توسعه کشاورزی مبتنی بر ایده خودکفایی غذایی در طی دو دهه به صورت سیاست اصلی کشور در آمد.

تلاقی این دو راهبرد سیاسی در طی چهار دهه از عمر جمهوری اسلامی منجر به بروز ابربحران های صعب العلاج گردیده است. مدعی این مقاله آن است که جمهوری اسلامی به طور مشخص از سه ابربحران مربوط به این تلاقی رنج می برد. در ساحت اول استفاده بی رویه از آب برای توسعه کشاورزی ایران را در معرض خطر جدی بی آبی قرار داده است. با استناد به آمار رسمی مقاله حاضر ادعا شده است در چند دهه آینده ایران حتی قادر به تامین آب آشامیدنی شهروندان خود نخواهد بود. در ساحت دوم گسترش بی رویه جمعیت منجر به بحران های متعددی از قبیل بحران کار، ازدواج و تحصیل شده است. در سطح راهبردی، تلاقی بحران بی آبی با بحران جمعیت می تواند ایران را در معرض خطر کوچ اجباری و آشوب های ناشی از آن قرار دهد. مسئله اساسی آن است که کاهش نرخ جمعیت در چند ساله اخیر نه تنها از دامنه تند بحران جمعیت کاسته است بلکه بر عکس بر احتمالات خطر زای آن افزوده و منجر به ابر بحران دیگری به نام بحران پزشکی شده است. با استناد به آمار مقاله مدعی است جمعیت ایران و به ویژه متولدین دهه نخست دوره جمهوری اسلامی در آستانه پیری هستند. پیر شدن ناگهانی ایران دو خطر عمده را تشدید می کند. افزایش سرانه سلامت و مراقبت های اجتماعی، تمرکز کشور بر مراقبت های اجتماعی ناشی از پیری جمعیت و بحران های ناشی از کاهش چشمگیر این مراقبت ها. کاهش جمعیت جوان نیز می تواند برنامه های راهبردی برای توسعه کشور را با معضل نیروی انسانی روبرو سازد. تحلیل نهایی این مقاله آن است که این سه ابر بحران با راهبردهای کنونی غیر قابل حل هستند و بر دامنه بحران زای آن در طی یک دهه آینده افزوده خواهد شد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، ابر بحران، آب، جمعیت، مراقبت های پزشکی.

بررسی تاثیر ماهیت دولت بر جهت گیری سیاست تجاری و سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و محمد خاتمی

انوش نخودبریز

دانش آموخته کارشناسی ارشد از دانشگاه اصفهان

anooshnakhodberiz@gmail.com

یکی از ویژگی‌های کلیدی زندگی در سده بیست و یکم اهمیت روابط سیاسی و اقتصادی، هم در درون دولت‌ها و هم میان دولت‌هاست. رابطه میان دولت و اقتصاد بازار در عرصه‌های کلان و جهانی محور مطالعه اقتصاد سیاسی بین‌الملل است. از عناصر کلیدی اقتصاد سیاسی بین‌الملل رابطه میان امور اقتصادی و امور سیاسی است. بر اساس رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌الملل، آنچه در این رساله مورد تاکید قرار گرفته است نقش پایگاه اجتماعی دولت بر ماهیت سیاسی آن و تاثیر ماهیت سیاسی دولت بر جهت گیری‌های سیاسی-تجاری می باشد. در این پژوهش جهت گیری‌های سیاسی-تجاری دولتهای خاتمی و احمدی نژاد مورد بررسی قرار گرفته اند. در دوران ریاست محمد خاتمی بر دولت، رابطه تجاری و سیاسی ایران با اتحادیه اروپا پررنگ تر بوده است. در زمان محمود احمدی نژاد بر عکس، رابطه تجاری و سیاسی ایران با کشورهای پوپولیست واقع در منطقه امریکای لاتین پررنگ تر از دوران قبل بوده است. دلیل این جهت گیری متفاوت در پایگاه اجتماعی و بالطبع ماهیت سیاسی دو دولت مذکور می باشد به طوری که خاتمی عمدتاً از سوی طبقات متوسط مورد حمایت قرار گرفت و احمدی نژاد عمدتاً از سوی اقشار پایین جامعه مورد حمایت قرار گرفته بود. با توجه به نقش پایگاه اجتماعی دولت خاتمی، ماهیت سیاسی دولت وی بیشتر دموکراتیک جلوه می نمود، به همین دلیل در این دوره شاهد رابطه تجاری-سیاسی بیشتری با اتحادیه اروپا -که اعضای آن از کشورهای دموکراتیک محسوب می شوند- هستیم. پایگاه اجتماعی محمود احمدی نژاد را باید در طبقات پایین جامعه جستجو کرد، بنابراین ماهیت سیاسی دولت وی با پوپولیسم انطباق بیشتری داشت، بنابراین رابطه سیاسی-تجاری وی با اتحادیه اروپا نسبت به دوره قبل کمتر گشت و به سمت آمریکای لاتین چرخش نمود. دولت احمدی نژاد با توجه به ماهیت پوپولیسم خود در این منطقه دست به گزینش ایدئولوژیک زده و با کشورهای ونزوئلا، اکوادور و بولیوی -که آنها نیز از ماهیت سیاسی پوپولیستی برخوردار بودند- پیوند تنگاتنگی برقرار کرده بود، به طوری که رابطه تجاری-سیاسی ایران در این دوره نسبت به دوره قبل افزایش چشمگیری یافت.

مطابق با بررسی دولت‌های مذکور می توان برای جهت گیری‌های تجاری-سیاسی دولت در جمهوری اسلامی نظریه دولت آونگی را به کار برد. دولت در ایران با توجه به پایگاه اجتماعی خود به سمت شرق و غرب در حرکت است. به طوری که هرگاه ماهیت سیاسی دولت متأثر از پایگاه اجتماعی طبقات پایین جامعه باشد، جهت گیری‌های سیاسی-تجاری بیشتر به سمت شرق می‌رود و هرگاه ماهیت سیاسی دولت متأثر از طبقات متوسط جامعه باشد جهت گیری تجاری-سیاسی دولت بیشتر به سمت غرب می‌رود.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دولت خاتمی، طبقه متوسط، دولت احمدی نژاد، طبقه پایین.

از بر ساخت نفاق دولتی تا نفاق دولت ساخت: تأملی آسیب‌شناسانه در بخش دولتی ایران

مصطفی هادوی نژاد

دانشیار گروه مدیریت دانشگاه ولی عصر (عج)

hadavi@vru.ac.ir

این پژوهش کوشیده است تا به بررسی چیستی و چگونگی چرخه مبادله نفاق بین سازمان‌های دولتی و جامعه با درنگی آسیب‌شناسانه در بخش دولتی ایران بپردازد. بر اساس این مطالعه، در کشور ایران که بخش دولتی فربه و منابع انسانی زیادی در آن مشغول به کار هستند، سیاست‌زدگی دولتی از رهگذر بوروکراسی وفادارانه آستن تکوین رفتارهای منفاقانه در ارتباطات بین‌فردی در برخی سازمان‌های دولتی است. همچنین، از هم‌جوشی بوروکراسی ماشینی حاکم بر این سازمان‌ها و دموکراسی محاط بر آن، نفاق درون‌سازمانی شکل می‌گیرد. این نفاق دولت‌ساخت با پمپاژ شدن به جامعه و رسوخ در پیکره آن، سازمان‌های دولتی را به نرمشگاه نفاق‌ورزی برای میدان اجتماع مبدل کرده‌اند. مقاله حاضر به تبیین این چرخه از حیث وجوه رفتاری و ساختاری پرداخته است.

واژگان کلیدی: دولت، نفاق دولتی، نفاق دولت‌ساخت، بوروکراسی وفادارانه، بوروکراسی ماشینی.

فرصت اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیش روی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران

سید عباس هاشمی

دکترای مطالعات فدرال، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

tachpol@yahoo.com

فائزه کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

karimi_fa3@yahoo.com

تحولات پساجام، به ویژه اقدامات رییس جمهور جدید ایالات متحده بایستگی تنوع بخشی به مقصدهای سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران را مؤکد ساخته است. اتحادیه تازه تأسیس اقتصادی اوراسیا در همسایگی ایران با تمرکز بر اولویتهای تجاری، بالقوه مناسبی را در راستای پاسخگویی به این بایستگی پدید آورده است. محوریت روسیه در این اتحادیه، ناهمجواری اکثر کشورهای عضو با دریاهای آزاد و مختصات ژئواستراتژیک بی‌جایگزین ایران در رفع این کاستی در کنار پیشینه تاریخی مشترک، انگیزه‌های زیادی را برای پایه‌ریزی رابطه‌ای سودمند و راهبردی میان ایران و این اتحادیه فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر بر بنیاد رویکرد نوکارکردگرایی تلاش دارد مؤلفه‌های همگرایانه احتمالی در این رابطه را استخراج و به دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد نماید.

واژگان کلیدی: پساجام، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نوکارکردگرایی.

عوامل شکل گیری دولت پرمسئولیت در ایران؛ دوره جمهوری اسلامی

محبوبه همتی

mahboubehemmati@yahoo.com

علی کریمی مله

akm10@umz.ac.ir

یکی از مباحث اساسی در بررسی ویژگیهای دولت به ویژه دولت های مدرن ، موضوع گستره دخالت دولت در حوزه سیاست و سایر حوزه های مرتبط با سیاست مانند اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و... است. دولت به عنوان بالاترین مظهر اقتدار در سطح جامعه، همواره در تلاش است تا از جایگاه حاکمیت سیاسی به سایر حوزه ها نیز نفوذ کرده و از سطح نظام سیاسی به کنش گری و مدیریت آنها بپردازد. این نوع نگرش به دولت در دوران جدید و همزمان با ارتقای دولتهای مدرن و پیشرفته ، دارای تبعاتی منفی و عمیق هم برای خود دولت و هم برای دیگر حوزه هاست و موجب می شود تا دولت به عنوان یک نهاد سیاسی، خود را به عنوان نهاد اصلی و سیاستگذار در تمامی عرصه های دیگر دانسته و مدیریت آن عرصه ها را نیز برعهده گیرد. در حالی که این امر و سیطره دولت بر تمامی عرصه های دیگر، به معنای نادیده گرفتن جامعه به عنوان یک موجود پویا و زنده است که می تواند با مکانیسم های خودتنظیمی خود در کنار یک نوع نظارت آگاهانه و محدود دولت به فعالیت های خود پرداخته و نتایج مطلوب خویش را نیز به دست آورد. در ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و با ساختار دولتی متمرکز و ناکارآمد، مساله فربگی دولت و مداخله گسترده آن مورد توجه بسیاری واقع شده است. طبیعی است که رفتارهای فردی، گروهی و نهادی برخاسته از عوامل و زمینه های مختلف فکری-معرفتی ، فرهنگی-اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است. مقاله حاضر می کوشد تا علل این فربگی، دخالت گسترده دولت یا به عبارتی علل پرمسئولیت شدن دولت در دوره جمهوری اسلامی را با تمرکز بر عوامل فکری-معرفتی بررسی کند. بدین ترتیب سوال اصلی مقاله عبارت از این است که : عوامل فکری اثرگذار بر پرمسئولیت شدن دولت در ایران کدام است؟ گزاره ای که به مثابه فرضیه می توان تقریر کرد این است که پرمسئولیت شدن دولت در جمهوری اسلامی ریشه در هدف گذاری بنیادین آن که همانا تربیت شهروند خوب است، دارد. چنین نگره ای در خصوص هدف محوری دولت موجب می شود دولت خود را در موقعیتی استعلایی یافته و موظف به مداخله در همه ساحت های زندگی اجتماعی شود. مقاله حاضر با الهام از آرای انتقادی میشل کروزیه با عنوان دولت فروتن و نقد مسئولیت ها و مداخلات فزاینده دولت، با روش توصیفی -تحلیلی انجام می شود و داده های لازم برای تحلیل با استفاده از منابع کتابخانه ای و تحلیل ثانویه داده ها گردآوری می شود.

واژگان کلیدی: دولت، دولت پرمسئولیت، دولت فروتن، ایران، شهروند خوب.

دولت، نفت و بودجه در ایران: یک سه ضلعی کلیدی اما شکننده

یداله دادگر

استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه بهشتی

دولت در ایران مالک نفت خام است و بودجه نیز مهمترین برنامه اثر گذار دولت است. همچنین به دلیل پایین بودن درآمد مالیاتی، بودجه دولت بر درآمدهای حاصل از فروش نفت خام استوار است. از این رو ترکیب سه عنصر دولت، نفت و بودجه در ایران در حال حاضر یک بسته بالقوه مهمی را فراهم آورده است. در کشورهای مالیات محور، دولت و بودجه پیوند اساسی دارند ولی آنها دیگر با نفت ارتباط ندارند. اما در ایران بخش نفت عنصر اصلی است. علاوه بر این، این ترکیب نوعی بیماری هلندی بخصوص بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. ما در این مقاله آن را بیماری "استواری اقتصاد بر درآمد نفت خام"، "افت" می نامیم. در ایران میزان سهم مالیات در تامین بودجه سالانه کمتر از ۳۴ درصد است. همچنین کمترین سهم نفت از تامین بودجه ۳۳ درصد است. در نتیجه دولت در آغاز ۳۳ درصد کسری بودجه دارد. این با این فرض است که کلیه درآمدهای مالیاتی و نفتی بر اساس پیش بینی تحقق یابد. تجربه نشان داده که دولت در ایران کسر بودجه را نیز از راههای غیر استاندارد (مانند استقراض از بانک مرکزی) تامین مالی می کند. این در حالی است که بایستی بودجه سالانه از طریق مالیات تامین مالی گردد. این مشکل اقتصاد ایران موجب سیطره بیماری هلندی یا بیماری "افت" گردیده است. برای نجات اقتصاد از این بیماری لازم است که نوعی اصلاح در ساختار مالیات، بودجه و دولت ایجاد گردد. این مقاله دنبال تحلیل این موضوع است. تقویت صندوق ذخیره ارزی، وضع مالیات بر کل درآمد و اصلاح ابعادی از حکمرانی از پیام های سیاستی این مقاله هستند.

کلمات کلیدی: ساختار و کارکرد دولت، ساختار بودجه، جایگاه نفت، بیماری هلندی در ایران

The Second National Conference on the study of State

The Case Study of the Islamic Republic of Iran: its Foundation, problem and prospect

Ferdowsi university of Mashhad
Political science department

۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۷

تارنمای همایش: stateconf2.um.ac.ir
رایانامه همایش: stateconf@um.ac.ir
نشانی دبیرخانه: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه
فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و
اقتصادی اکتی: ۹۱۷۸۹۴۸۹۵۱
تلفن دبیرخانه: ۰۵۱-۳۸۸۳۴۲۰۴

